

سوره بقره مدنی است و آن دو صد و هشتاد و شش آیت و چهل رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آلَمَ ۱

ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ۝

الَّذِينَ يُؤْتُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ بِمَآ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ وَمِمَّا أَنزَلْنَا مِن قَبْلِكَ
وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۝

أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ ۝

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ
غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ
بِؤْمِنِينَ ۝

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يُخَادِعُونَ اللَّهَ إِلاَّ أَنفُسَهُمْ
وَمَا يَشْعُرُونَ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان .

آلَمَ (۱) .

این کتاب هیچ شبهه نیست در آن
رهنماست پرهیز گاران را (۲) .

آنانکه ایمان می آرند به نادیده و برپای
دارند نماز را و آنچه ایشان را روزی
داده ایم خرج می کنند (۳) .

و آنانکه ایمان می آرند بآنچه فرود آورده
شده بسوی تو و آنچه فرود آورده شده
پیش از تو و بآخرت ایشان یقین دارند
(۴) .

ایشانند بر هدایت از جانب پروردگار
خویش و ایشانند رستگاران (۵) .

هر آینه آنانکه کافر شدند برابر است
بر ایشان که بترسانی ایشان را یا نه ترسانی
ایشان را ایمان نیارند (۶) .

مهر نهاد خدا بر دل‌های ایشان و بر شنوایی
ایشان - و بر چشم‌های ایشان پرده ایست و
ایشان راست عذاب بزرگ (۷) .

و از مردمان کسی هست که می گوید ایمان
آوردیم بخدا و بروز باز پسین نیستند
ایشان مومنان (۸) .

فریب می دهند خدا را و مومنان را و
بحقیقت نمی فریبند مگر خود را و نمی
فهمند (۹) .

در دل‌های ایشان بیماری ست پس افزون داد بایشان خدا بیماری وایشان راست عذاب درد دهنده بسبب آنکه دروغ می‌گفتند (۱۰) .

وچون گفته شود ایشان را تبه کاری مکنید در زمین، گویند جزاین نیست که ما اصلاح کاریم (۱۱) .

آگاه شوبه تحقیق ایشانند تبه کاران ولیکن آگاه نمی‌شوند (۱۲) .

وچون گفته شود ایشان را که ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند آیا ایمان آریم چنانچه ایمان آوردند بیخردان؟ آگاه شویتحقیق ایشانند بی‌خردان ولیکن نمی‌دانند (۱۳) .

ووقتیکه ملاقات می‌کنند بااهل ایمان گویند ایمان آورده ایم و چون تنها شوند باشیاطین خود^(۱) گویند هر آئینه ماباشمائیم جزاین نیست که ماتمسخر می‌کنیم (۱۴) .

خدا تمسخرمی‌کند به ایشان و مهلت میدهد ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده (۱۵) .

ایشان آنکسانند که خریدند گمراهی را عوض هدایت پس سود نیافت تجارت ایشان و راه یاب نشدند (۱۶) .

داستان ایشان مانند داستان کسی ست که

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞۱۰ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝

وَإِذْ أَعْيَلْ لَهُمْ لَأَعْقِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا لَئِن كُنَّا لَمُصْلِحُونَ ۝۱۱

إِلَّا أَنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ۝۱۲

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ امْنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ ۗ إِنْ أَرَادْتُمْ هُمْ السُّفَهَاءَ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ ۝۱۳

وَإِذْ الْقَوَّالِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُونَ ۝۱۴

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝۱۵

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ يَأْتِدِي قَمَارِجَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۝۱۶

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ

(۱) یعنی رئیسان خود .

افروخت آتش را پس چون روشن کرد آتش دوربر او را دورساخت خدا نوراین گروه را و بگذاشت ایشان را در تاریکی ها هیچ نه بینند (۱۷) .

کرانند گنگانند کورانند پس ایشان باز نمی گردند^(۱) (۱۸) .

یا داستان ایشان مانند باران تنداست آمده از آسمان که باشد دروی تاریکی ها ورعد و برق درمی آرند انگشتان خود را در گوشهای خود بسبب آواز های پُر هول از ترس مرگ، و خدا احاطه کننده است کافران را (۱۹) .

نزدیک ست که برق بُر باید چشمهای ایشان را، هرگاه روشنی دهد برق ایشان را راه روند در آن روشنی و چون تاریکی دهد برایشان بایستند و اگر خدای خواست هر آئینه می برد شنوائی ایشان را و دیده های ایشان را هر آئینه خدا بر همه چیز توانا است^(۲) (۲۰) .

ای مردمان بپرستید پروردگار خویش را آنکه آفرید شمارا و کسانی را که پیش

ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكُهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿۱۷﴾

صُومُوا لِحُجَّتِي فَمَا لَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿۱۸﴾

أَوْ كَتَبَ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ النَّوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿۱۹﴾

يَا كَادَ الْبَرْقُ يُخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشْوَاهِيبٌ
وَرَدَّ الْأظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَنَهَبَ بِسَمْعِهِمْ
وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۰﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ
وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۲۱﴾

(۱) مترجم گوید که حاصل مثل آنست که اعمال منافقان همه نابود شود چنانکه روشنی آن جماعت دور شد .

(۲) مترجم گوید که حاصل مثل آن ست که منافقان درظلمات نفسانی افتاده اند و چون مواعظه بلیغه شنوند فی الجمله ایشان را تنبیهی می شود و آن فائده نکند مانند مسافران که در شب تاریک و ابرحیران باشند و دربرق دوسه قدم بروند و باز ایستند والله اعلم .

از شما بوده اند تا در پناه شوید^(۱) (۲۱) .
آنکه ساخت برای شما زمین را بساطی و
آسمان را سقفی و فرود آورد از آسمان
آب پس بیرون آورد بسبب وی از انواع
میوه ها روزی برای شما پس مقرر مکنید
همتایان برای خدا در حالیکه شما میدانید
(۲۲) .

و اگر هستید در شبه از آنچه فرود آوردیم
بر بنده خود (یعنی از قرآن) پس بیارید یک
سوره مانند آن و بخوانید مددگاران خود را
بغیر از خدا اگر هستید راست گو (۲۳) .

پس اگر نکردید و البته نتوانید کردن پس
حذر کنید از آن آتشی که آتش انگیز وی^(۲)
مردمان و سنگها باشند آماده کرده شده
است برای کافران (۲۴) .

و بشارت ده آنکسان را که ایمان آورده اند
و کردند کارهای شائسته بآنکه ایشان
راست بوستانها میرود زیر آن جویها هر گاه
داده شوند از آنجا روزی از قسم میوه ،
گویند این همانست که داده شده بودیم
پیش ازین و آورده شود بایشان آنروزی
مانند یکدیگر^(۳) و ایشان راست
در آنجا زنان پاک کرده شده و ایشان
در آنجا جاویدند (۲۵) .

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فُرُشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ۗ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا
وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۲۱﴾

وَلَنْ نُنزِلَهُ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا ۚ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ
مِنْ شَيْءٍ ۚ وَأَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ﴿۲۲﴾

إِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا ۚ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَوَدُّهُمَا
النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِالْكَافِرِينَ ﴿۲۳﴾

وَيَبْقُرُ الْبَنِينَ الْأُمُوتَ ۚ عَلِمُوا الظُّلُمَاتِ إِنَّ لَهُمْ حَبِيبًا يُخْفَىٰ مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ كَلِمَاتٌ رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ شَجَرَةٍ تُزْقَىٰ أَقْوَامًا ۚ أُولَٰئِكَ
الَّذِينَ رُزِقُوا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَنْوَاجٌ
مُطَهَّرَةٌ ۚ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵﴾

(۱) تا پرهیزگار شوید .

(۲) یعنی هیزمهای وی .

(۳) یعنی غبار فقد ان مرغوب هیچ ساعت بخاطر ایشان نه نشینند والله اعلم .

هر آئینه خدا شرم نمیکند از آنکه بزند مثال پشه و بالاتر از آن ، اما آنکه ایمان آورده اند میدانند که این مثال راست است از پروردگار ایشان و اما آنکه کافرند می گویند چه چیز خواسته است خدا باین مثال خدا گمراه میکند بسبب وی بسیاری را و هدایت میکند بسبب وی بسیاری را و گمراه نمی کند به آن مگر بدکاران را (۲۶).

(آن فاسقان)^(۱) که می شکنند پیمان خدارا بعد بستن آن و می بُرند آنچه خدا فرموده است بیوستن آن و فساد می کنند در زمین ایشانند زیان کاران (۲۷).

چگونه کافر شوید بخدا و حال آنکه بودید بی جان پس زنده گردانید شمارا، بعد از آن بمیراند شمارا باز زنده گرداند شمارا بازسوی وی باز گردانیده شوید (۲۸).

وی آنست که بیافرید برای شما هر چه در زمین ست همه را باز متوجه شد به سوی آسمان پس ساخت آن راهفت آسمان و او به همه چیز دانا است (۲۹).

و یادکن چون گفت پروردگارتوبه فرشتگان که من آفریننده ام در زمین جانشینی را گفتند آیا می آفرینی در زمین

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَعِجُ أَنْ يُصْرِبَ مَثَلًا تَابِعُوصَةً فَمَا تَوْفَّاهَا، فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا أَقْيَهُدَىٰ بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿۲۶﴾

الَّذِينَ يَبْقُصُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۲۷﴾

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَانًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۸﴾

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ جِجْيَاءَ تَتَّخِذُ السُّوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَتُزْجَعْنَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ جَلُّ شَيْءٍ عِلْمٍ ﴿۲۹﴾

وَأَذَّكَ قَالَ رَبِّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنَّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ

(۱) کافران چون ذکر پشه و عنکبوت در قرآن شنیدند طعن کردند و گفتند که خدای تعالی بذکر این چیزهای خسیس چه اراده کرده است این آیت نازل شد والله اعلم .

کسی را که فساد کند دروی و خونریزی کند و ما تسبیح می گوئیم بحمدتوبه پاکي اقرارمی کنیم برای تو- فرمود هر آئینه من میدانم آنچه شما نمی دانید . (۳۰)

وبیاموخت خدا آدم را نامهای همه مخلوقات باز عرضه کرد آن چیزها را بفرشتگان پس گفت خبردهید مرا بنام های این چیزها اگر شماراست گوهستید . (۳۱)

گفتند به پاکي یاد می کنیم ترا هیچ دانش نیست مارا مگر آنچه توآموختی بما هر آئینه تویی دانای باحکمت (۳۲) .

فرمود ای آدم خبرده فرشتگان را بنام های این ها، پس چون خبرداد ایشان را به نام های این ها فرمود آیانه گفته بودم شمارا که هر آئینه من میدانم پنهان آسمان ها وزمین را میدانم آنچه آشکارا می کنید و آنچه پوشیده می داشتید (۳۳) .

وچون گفتیم به فرشتگان سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگرابلیس قبول نکرد وسرکشی نمود وگشت ازکافران . (۳۴)

وگفتیم ای آدم بمان تو و زنِ تو دربهشت وبخورید ازبهشت خوردن بسیار هرچاکه خواهید و نزدیک مشوید باین درخت که خواهیدش ازستمگاران (۳۵) .

پس بلغزانید هردورا شیطان ازآنجاپس برآورد ایشان را ازآن نعمتهاکه بودنددرآن

يَحْمِدُكَ وَيَقْدِرُ لَكَ قَالَ إِنْ أَعْلَمُوا مَا لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۱﴾

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَوْ كُنَّا لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿۳۲﴾

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنْ أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿۳۳﴾

وَأَذَقْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدَ وَالْإِدْمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۴﴾

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۳۵﴾

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا

و فرمودیم فرود آئید بعضی شما دشمن
باشد بعضی را و شما راهست در زمین
آرام گاه و بهره مندی تامدتی (۳۶) .

پس فرا گرفت آدم از پروردگار خود
سخنی چند پس قبول کرد خداوند توبه
اورا بمهربانی خود، بیشک او توبه قبول
کننده مهربانست^(۱) (۳۷) .

فرمودیم فرود آئید از آنجا همه شما پس
اگر بیاید به شما از من هدایتی پس هر که
پیروی کرد هدایت مرا هیچ ترس نیست
بر آن جماعت و نه ایشان اندوه خورند (۳۸) .
و کسانی که کفر ورزیدند و تکذیب کردند
آیاتهای ما را ایشان اند باشند گانِ دوزخ،
ایشان در آنجا جاویدند (۳۹) .

ای^(۲) فرزندان یعقوب یاد کنید آن نعمت
مرا که ارزانی داشتیم بر شما و وفا کنید به
پیمان من تا وفا کنم پیمان شما را و تنها
از من بترسید (۴۰) .

و ایمان آرید بآنچه فرود آورده ام در حالیکه
باور کننده آنچه باشماست و مباشید
نخستین منکرا و مستانید عوض آیتهای
من بهای اندک را تنها از من بترسید (۴۱) .

أهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم في الأرض مستقر
و متاع إلى حين ﴿٣٦﴾

فقلنا آدم من ربه كذب فتاب عليه إنه هو التواب
الرحيم ﴿٣٧﴾

قلنا اهبطوا منها جميعا و إلا يأتيناكم مني هدى فمن تبع
هدى فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ﴿٣٨﴾

و الذين كفروا و كذبوا يأتينا أولئك أصحاب النار هم
فيها خالدون ﴿٣٩﴾

يحيى إسرائيل اذكر و اعقبك التي أنعمت عليك و أوفوا
بعهدتي أوف بعهدكم و أيتاي فاقبوا ﴿٤٠﴾

و امنوا بما أنزلت من صدقنا لبا معكم و لا تحموا أول
كافريهم و لا تشركوا بالذي همتنا قديدا و أيتاي فاقبوا ﴿٤١﴾

(۱) و آن کلمات این ست رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ إِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ
الْخٰسِرِينَ و الله اعلم .

(۲) مترجم گوید خدای تعالی بنی اسرائیل را نعمتهای خود یاد آوری و معجزه هائی که
درین قوم ظاهر شده بود ذکر فرمود آنگاه شبهات و هفوات ایشان را رد کرد بدلائل
و این قصه ممتد است تا قوله تعالی وَاذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ .

وخلط مکنید راست را باناراست وپنهان مکنید راست را درحالیکه شما میدانید، (۴۲) .

وبرپادارید نمازرا وبدهید زکوة را ونماز گذارید بانماز گذارندگان (۴۳) .

آیامی فرمائید مردمان را به نیکوکاری و فراموش میکنید خویشتن را و شما میخوانید کتاب (یعنی تورات) راآیا نمی فهمید (۴۴) .

ومددطلبید^(۱) به شکیبائی ونماز- وهرآئینه نماز دشوار ست مگربرفروتنان (۴۵) .

آنانکه میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد باپروردگار خویش و آنکه ایشان بسوی وی بازخواهندگشت (۴۶) .

ای فرزندان یعقوب یادکنید آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام بر شما وآنکه فضل دادم شمارا بر همه عالم ها^(۲) (۴۷) .

وحذرنکند ازآن روزکه کفایت نه کند هیچکس ازکس چیزی را و پذیرفته نه شود ازهیچ کس شفاعت و گرفته نشود ازهیچ کسی عوض ونه ایشان یاری داده شوند (۴۸) .

(یاد کنید نعمت من) آنوقت که رهانیدیم شمارا از آل فرعون میرسانیدند بشما سخت ترین عذاب ذبح میکردند پسران

وَلَا تَتَّبِعُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۴۲﴾

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿۴۳﴾

أَتَا مَرُوءَ النَّاسِ بِالْبِرِّ وَكَسَبُونَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتَّبِعُونَ
الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۴۴﴾

وَأَسْبِغُوا الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ وَآتُوا الْكِبْرَةَ الْأَعْلَى الْمُشْتَعِينَ ﴿۴۵﴾

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۴۶﴾

يَذِي بِسِرِّهِمْ إِلَىٰ أَذُنِهِ لِيَأْخُذَهُ الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنِّي
فَعَلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۴۷﴾

وَأَنْتُمْ أَيُّومًا لَا تَجِدُونَ نَفْسًا عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ
وَمِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿۴۸﴾

وَإِذْ نَجَّيْنَاهُمْ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُم بِسُوءِ الْعَذَابِ
يُدْرِكُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن

(۱) یعنی درجمع حاجات و مصائب والله اعلم .

(۲) یعنی عالمیان آن زمان .

رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿۴۹﴾

شمارا وزنده میگذاشتند دختران شمارا
و درین کار آزمائشی بزرگ بود از جانب
پروردگار شما^(۱) (۴۹) .

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ وَالْبَحْرَيْنِ لَئَلَّآ تَمُنَّ بِمَا آتَيْنَاكُم مِّنَ الْبَحْرِ تَمُوتُونَ
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۵۰﴾

و آنوقت که شکافتیم برای شما دریا را پس
خلاص کردیم شمارا و غرق ساختیم کسان
فرعون را و شما میدیدید (۵۰) .

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَلْبَيْنَ لَيْلَةٍ أَنَّا نَأْتِيكُم مِّنَ الْجِبَالِ
مِنَ بَعْدِهَا وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿۵۱﴾

و آن^(۲) وقت که میعاد مقرر کردیم باموسی
چهل شب پس گرفتید گوساله^(۳) را پس
از رفتن موسی و شماستمگار بودید (۵۱) .

ثُمَّ عَصَوْنَا عَنْكُمْ مِمَّنْ بَعْدَ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۵۲﴾

پس در گزرانیدیم از شما بعد ازین تا بود که
شما سپاسگذاری کنید (۵۲) .

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۵۳﴾

و آنوقت که دادیم موسی را کتاب و
حجت تا بود که شما راه یابید (۵۳) .

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يُقَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ أَنفُسَكُمُ
بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَانقُضُوا أَنْفُسَكُمْ
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِيكُمْ مِمَّا كَفَرْتُمْ عَلَيْهِ تَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ
هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۵۴﴾

و آن وقت که گفت موسی قوم خود را ای
قوم من هر آئینه شما ستم کردید
بر خویشتان بفرار گرفتن گوساله پس باز آئید
بسوی آفریدگار خود بکشید خویشتان را
این بهتر است شمارا نزد آفریدگار شما
پس پذیرفت خداوند توبه شمارا
بمهربانی خود هر آئینه اوست توبه پذیر

- (۱) مترجم گوید سبب کشتن پسران آن بود که کاهنان فرعون را خبر داده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا شود که باعث برافتادن پادشاهی او گردد .
- (۲) مترجم گوید که خداموسی علیه السلام را وعده داد که چهل شب در طور معتکف شود تا تورات عطا فرمائیم درین مدت بنی اسرائیل بفریب سامری گوساله پرستی اختیار کردند خدای تعالی بعد عود موسی حکم فرمود که بعضی ایشان بعضی را بکشند و این توبه ایشان است .
- (۳) یعنی معبود ساختید .

مهربان (۵۴) .

و^(۱) آن وقت که گفتید ای موسیٰ هرگز باور نداریم ترا تا آنکه به بینیم خدارا آشکارا پس گرفت شمارا صاعقه و شما میدیدید (۵۵) .

باز زنده گردانیدیم شمارا پس از مردن شما، تا شما شکرگزاری کنید^(۲) (۵۶) .

و سایبان ساختیم بر شما ابر را و فرود آوردیم بر شما من و سلوی را، گفتیم بخورید از پاکیزه های آنچه دادیم شمارا. و ایشان ستم نه کردند بر ما ولیکن بر خویش ستم میکردند (۵۷) .

و آن وقت که گفتیم در آئید درین ده^(۳) پس بخورید از آنجا با فزونی هر جا که خواهید خوردنی گوارا و در آئید به دروازه سجده کنان و بگوئید سوال ما آمرزش است تا بیامرزیم شمارا گناهان

وَأَذَقْنَا لِقَامَ يَسُوعَ بْنِ مَرْيَمَ ذُوقَ وَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۵۴﴾

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۵۵﴾

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ تَحْسِينِ الْعَمَلِ أَلَيْسَ لَنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَلُ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّهُ مِنْ طَائِفَاتِ مَا رَزَقْنَاهُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۵۶﴾

وَأَذَقْنَا لِقَامَ آدَمَ الَّذِي أُخْرِيَ مِنَ الْجَنَّةِ ذُوقَ وَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۵۷﴾

حَطَّيْبُهُمْ وَسَيَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۸﴾

(۱) مترجم گوید موسیٰ علیه السلام هفتاد کس را از بنی اسرائیل با خود بُرد تا باوی کلام الهی استماع نمایند ایشان بعد از شنیدن خواهانِ رویت شدند و در طلب آن پا از حد ادب بیرون نهادند خدای تعالی آن همه را بصاعقه بسوخت و باز بدعای موسیٰ زنده ساخت اشارت باین قصه است این آیت .

(۲) بنی اسرائیل مامور شدند به جهاد عمالقه و ایشان در آن باب تغافل کردند پس معاقب شدند بافتادن در بیابان چهل سال و آنجا چون آب و طعام و خیمه ها مفقود شد خدای تعالی به دعای موسیٰ علیه السلام من و سلوی نازل ساخت و از سنگی دوازده چشمه روان کرد و ابر را سایبان گردانید قدر این نعمتها نشناختند و کفرانِ نعمت کردند اشارت بدین قصه است این آیت .

(۳) یعنی دهی که در زمان حضرت موسیٰ فتح شده بود .

شما و زیاده خواهیم دادنکوکاران را (۵۸).
 پس بدل کردند کسانی که ستمگار
 بودند سخنی بجز آنچه فرموده شدایشان
 را (۱) پس فرود آوردیم بر آن ستمگاران
 عذابی از آسمان بسبب بدکار بودن ایشان
 . (۵۹)

و آنوقت که آب خواست موسی برای
 قوم خود پس گفتیم بزن بعضای خود
 سنگ را پس روان شد از سنگ دوازده چشمه
 بدانست هر قوم آب خورد خود را (۲)
 گفتیم بخورید و بنوشید از روزی خدا و
 فساد مکنید در زمین تباهی کنان (۶۰) .

و آن وقت که گفتید ای موسی هرگز
 شکیبائی نه کنیم بریک طعام پس طلب
 برای ما از پروردگار خود تا بیرون آرد برای
 ما از آن جنس که میرویندش زمین از تره
 وی و بادرنگ وی و گندم وی و عدس وی
 و پیاز وی - گفت موسی آیا بدل می کنید
 آنچه وی فروترست بر آنچه وی بهترست -
 فرود آید بشهری پس هر آئینه باشد شمارا
 آنچه خواستید، وزده شد (۳) برایشان
 خواری و بی نوائی و بازگشتند بخشمی
 از خدا این بسبب آنست که باور نمی

قَدَّالَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أُولَٰئِكَ غَيْرَ الَّذِينَ يُقِيلُ لَهُمْ فَآتَنَّا لَمَّا
 عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ مَا كَانُوا
 يَفْسُقُونَ ﴿۵۹﴾

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ
 فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ نَبِئًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
 مَشْرَبَهُمْ كَوْأَنَّ السَّيِّئِينَ زُرِّي اللَّهُ وَلَا تَتَعَوَّذُونَ
 الْأَرْضَ مُمْسِدِينَ ﴿۶۰﴾

وَإِذْ قُلْنَا لِمُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا
 رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْمِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا
 وَفُؤُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصِلِهَا مَا قَالِ آتَنَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا
 هُوَ أَذْنُ بِالذِّنِيِّ هُوَ خَيْرٌ مِمَّا هُوَ صِرَاقًا لَكُمْ مَا
 سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ وَالسَّكَتَةُ وَبَاءَ وَبِعَصَبٍ
 مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يُكْفَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
 وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا
 وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۶۰﴾

(۱) یعنی بجای حطته حنطه گفتند .

(۲) یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله يك چشمه معین شد والله اعلم .

(۳) یعنی فرود آورده شد .

داشتند آیت های خدا را و می کشتند پیغامبران را به ناحق این بسبب گناه کردن ایشان است و آنکه از حد در می گذشتند (۶۱) .

هر آئینه آنانکه مسلمان شدند و آنانکه یهود شدند و نصاری و بی دینان هرکه از ایشان ایمان آرد بخدا و پروزباز پسین و کردگار شائسته پس ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان و نه ترس بُودبرایشان و نه ایشان اندوهگین شوند^(۱) (۶۲) .

و آن وقت که گرفتیم پیمان شمارا و برداشتیم بالای شما طوررا گفتیم بگیرد آنچه داده ایم شمارا باستواری^(۲) و یاد کنید آنچه در آنست تا بُود که در پناه شوید (۶۳) .

باز روگردانیدید بعد ازین پس اگر نمی بود بخشایش خدا بر شما و مهربانی او هر آئینه می شدید از زیان کاران (۶۴) .

و هر آئینه دانسته اید آن کسانرا که از حد درگذشتند از شما در شنبه^(۳) پس گفتیم ایشان را بوزینه شوید خوار شده (۶۵) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرِينَ
مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ
عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۶۱﴾

وَأَذِّنْ لَنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ وَخُذْ أَمَّا
الَّذِينَ كَفَرُوا بِقَوْلِي وَادْكُرُوا مَآئِنَهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۶۲﴾

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ قَوْلًا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
وَصَحَبْتَهُ لَكِنَّكُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۶۳﴾

وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ آخَذْنَا مِنْكُمْ فِي النَّبْتِ فَعَلَّمْنَا لَهُمْ
كُتُوبًا قُرْآنًا حُسْبِيًّا ﴿۶۴﴾

(۱) حاصل معنی آیت آنکه آدمی در اصل از هر فرقه که باشد چون ایمان آورد از اهل نجات بود خصوصیت فرقه معتبر نیست .

(۲) یعنی احکام تورات .

(۳) یعنی شکار کردند و شکار کردن در روز شنبه در دین بنی اسرائیل حرام بود .

پس ساختیم این قصه را عبرتی برای آن قوم که در آن ده بودند^(۱) و آن قوم که پس از ایشان آیند و پندی پرهیزگاران را (۶۶).

و^(۲) آنوقت که گفت موسی بقوم خود هر آئینه خدا می فرماید شمارا به کشتن گاوی گفتند آیامارا مسخره می گیری؛ گفت پناه می گیرم بخدا از آنکه باشم از نادانان (۶۷).

گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چیست آن گاو گفت هر آئینه خدا می فرماید که هر آئینه وی گاوی است نه پیرو نه جوان میانه است در میان این و آن پس عمل کنید به آنچه فرموده شدید (۶۸).

گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چیست رنگ آن گاو، گفت هر آئینه خدا می فرماید که وی گاویست زرد، پُر رنگ آن قدر که خوش میکند بینندگان را (۶۹).

گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چگونه است آن گاو هر آئینه گاوان مشتبه شدند بر ما و هر آئینه اگر خواسته است خدا راه

فَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلَفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُنْتَفِعِينَ ﴿٦٦﴾

وَاذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً ۗ قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٦٧﴾

قَالُوا ادْعُ لِنَارِكَ يَبْتِئِينَ لَنَا مَا نَحْنُ بِقَارِضٍ وَلَا يَكُونُ لَنَا مَالٌ كَلِمَةَ الْغَافِقِينَ ﴿٦٨﴾

قَالُوا ادْعُ لِنَارِكَ يَبْتِئِينَ لَنَا مَا نَحْنُ بِقَارِضٍ وَلَا يَكُونُ لَنَا مَالٌ كَلِمَةَ الْغَافِقِينَ ﴿٦٩﴾

قَالُوا ادْعُ لِنَارِكَ يَبْتِئِينَ لَنَا مَا نَحْنُ بِقَارِضٍ وَلَا يَكُونُ لَنَا مَالٌ كَلِمَةَ الْغَافِقِينَ ﴿٧٠﴾

(۱) یعنی در آن زمانه حاضر بودند .

(۲) مترجم گوید شخصی را از بنی اسرائیل کشته یافتند و کشته آن معلوم نه بود خدای تعالی حکم فرمود که گاوی را ذبح کنند و بعضی وی را بر آن مقتول بزنند تا زنده شود و از قاتلان خود خبر دهد القصه گاواراه مبلغ خطیر خرید کردند و بزدند مقتول زنده شد و پسران عم خود را نام برد که ایشان کشتند پس قاتلان را بقصاص رسانیدند از آن باز قاتل را از میراث محروم ساختند والله اعلم .

یافتگانیم (۷۰) .

گفت هر آئینه خدا میفرماید که وی گاوِیست نه محنت کشنده که شخم زند زمین را و نه آب می دهدزراعت را سلامت ست هیچ خال نیست دروی ، گفتند حالا آوردی سخن درست (۶) پس ذبح کردند و نزدیک بود که این کار نکنند (۷۱) .

و آنوقت که کشتید شخصی را پس نزاع کردید دروی - و خدا بیرون آورده است چیزی را که پنهان میکردید (۷۲) .

پس فرمودیم بزینداین شخص را به پاره ای ازگاو این طور زنده میکند خدا مُردگان را و می نماید شمارا نشانهای خود تا بُوَد که دریابید (۷۳) .

بازسخت شد دلهای شما بعد ازین پس آنها مانند سنگ اند بلکه زیاده تر در سختی ، و هر آئینه از سنگ هانست که روان می شود ازوی جویها- و هر آئینه از سنگها آنست که می شگافد پس بیرون می آید ازوی آب ، و هر آئینه ازسنگها آنست که فرومی افتد از ترس خدا و نیست بیخبر از آنچه می کنید (۷۴) .

(ای مومنان) آیا امیددی دارید که (یهود) منقادشوند به دین شما و هر آئینه گروهی ازایشان می شنیدند کلام خدا را (یعنی

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَّا سِيَةَ فِيهَا قَالُوا لَئِن جِئْتَ بِالْحَقِّ فَدَجُّوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿۷۰﴾

وَإِذ قَاتَلْتُم نَسْفًا قَاتِلْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا تُلْكُم تَكْفُورًا ﴿۷۱﴾

فَقُلْنَا يَا رِئُوسَ بَعْضِهِمَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْأُمُوتَ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۷۲﴾

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِن مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِن مِنْهَا لَمَا يَسْقَى فَيْخَرُّ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِن مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا فَعَلْتُمْ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۷۳﴾

أَتَتَطَّعُونَ أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ إِن كُنْتُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۷۴﴾

(۶) توضیح : وی گاوِیست که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند و نه کشت را آبیاری کند و ازهرعیسی پاک و نباشد دروی رنگ دیگری .

وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۷۵﴾

وَإِذْ اقْبَلُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِنَّا لَكَاظِمُونَ
إِلَىٰ بَعْضِ مَا قَالُوا فَأُخْرِجُوا مِنْهَا قَعًا لَّهُمْ عَلَيْهِمْ
لِيَحْمِلُوا ثِقَلَهُمْ إِذْ رَأَوْنَهُمْ أَقْبَلْتُمْ ﴿۷۶﴾

أَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ
وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿۷۷﴾

وَمَنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَتْلُونَ الْكِتَابَ إِلَّا مَا رَأَوْا وَلَنْ هُمْ إِلَّا
يُظُنُّونَ ﴿۷۸﴾

قَوْلِ الْكَافِرِينَ يَتْلُونَ الْكِتَابَ بِأَعْيُنِهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ
هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْهُمَا قَوْلَ الْكَافِرِينَ لَهُمْ مِنَّا
كُتُبٌ آتِيَةٌ وَوَعْدُ اللَّهِ وَمَا يَكْفُرُونَ ﴿۷۹﴾

وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ
عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَفَتَقُولُونَ عَلَىٰ
اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۸۰﴾

تورات را) پس بدل میکردندش دانسته
بعد از آنکه فهمیده بودند اورا (۷۵) .

وچون ملاقات کنند بامومنان گویند ایمان
آوردیم وچون تنها شوند بعض ازایشان
بابعضی^(۱) گویند آیاخبر مید هیدایشان را
بآنچه کشاده است خدا بر شما^(۲)
تامناظره کنند باشما بآن دلیل نزد
پروردگار شما آیا در نمی یابید (۷۶) .

(این جهولان) آیا نمیدانند که خدا میداند
آنچه پنهان می کنند و آنچه آشکارا می
نمایند (۷۷) .

وبعضی ازایشان ناخوانندگان (یعنی
بیسوادانند) کتاب (توراة) راجز آرزوهای
باطل نه پندارند و نیستند مگر گمان کننده
(۷۸) .

پس وای آنکسان را که می نویسند کتاب
را بدست های خود بازمی گویند این
از نزدیک خداست تا بگیرند عوض وی
بهای اندک را پس وای ایشان را بسبب
نوشتن دست های ایشان و وای ایشان را
بسبب پیشه گرفتن ایشان (۷۹) .

وگفتند نرسد بآتش دوزخ مگر چندروز
شمرده شده بگو آیا گرفتید ازپیش خدا
پیمانی تا هرگز خلاف نه کند خدا پیمان
خود را یا اینکه می گوئید برخدا آنچه

(۱) یعنی بارئيسان خویش .

(۲) یعنی نعمت پیغمبر آخر الزمان .

نمی دانید^(۸۰) .

آری هرکه کرد کاربد وبه احاطه گرفت
اورا گناه او پس ایشان اند باشندگان
دوزخ ایشان در آنجا جاویدند (۸۱) .

وکسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای
شائسته ایشانند باشندگان بهشت ایشان
در آنجا جاویدند (۸۲) .

وآنگاه که گرفتیم پیمان بنی اسرائیل که نه
پرستید مگر خدا را وبوالدین نکوئی کنید
وباهل قرابت و یتیمان وبی نوایان
وبگوئید بمردمان سخن نیک وبرپادارید
نماز را وبدهدیدزکوة را پس برگشتید
روگردان شده مگر اندکی از شما (۸۳) .

وآنگاه که گرفتیم پیمان شمارا که
مریزیدخون یکدیگر را وبیرون مکنید قوم
خویش را ازخانه های خویش پس قبول
کردید وخود شما گواهی میدهید (۸۴) .

باز شما آن گروهید که می کشید قوم
خویش را وبیرون می کنید گروهی را
ازقوم خود ازخانه های ایشان یکی
مددگار دیگری می شوید برستم کردن
درحق ایشان بگناه وتعدی واگراسیر شده
بشمامی آیند فدا میدهید عوض ایشان

بَلْ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَيْرَتُهُ فَأُولَٰئِكَ
أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۸۰﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۸۱﴾

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ
إِلَّا اللَّهَ تَوْرًا وَالَّذِينَ أَحْسَنَآ وَذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا
وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ
إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۸۳﴾

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرَجُونَ
أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿۸۴﴾

ثُمَّ أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرَجُونَ مِنْ دِيَارِكُمْ
مِنْ دِيَارِهِمْ تَطْهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِنِّمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ
يَأْتُواكُمُ اسْرِيًّا فَذُوقُوا هُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجَهُمْ
أَقْرَبُونَ بِبَعْضِ الْكَذِبِ وَتُكْفَرُونَ بِبَعْضِ فَمَا جَزَاءُ
مَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا جِزَاءُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ

(۱) مترجم گوید یکی از عقائد باطله یهود آن بود که می گفتند یهودنبا شند در دوزخ
مگر روزی چند و این خطا است زیرا که دخول جنت موقوف بر ایمان بخدا
وروز قیامت و پیغامبر آخر زمان ست جنس یهود وغیر آن اعتبار ندارد و اشارت
بهین معنی است درین آیت واللہ اعلم .

و حال آنکه حرام است بر شما بیرون کردن ایشان آیا ایمان می آرید به بخشی از کتاب و کافر می شوید به بخش دیگر پس چیست جزای آنکه چنین کند از شما مگر خواری در زندگانی دنیا و روز قیامت گردانیده شوند بسوی سخت ترین عذاب و نیست خدا بی خبر از آنچه میکنید^(۱)

(۸۵) .

ایشان آنکسانند که خریدند زندگانی دنیا را عوض آخرت پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان یاری داده شوند (۸۶) .

و هر آینه دادیم موسی را کتاب و از پی در آوردیم بعد از وی پیغمبران را و دادیم عیسی پسر مریم رانسانه های روشن و قوت دادیم او را بروح القدس - یعنی جبرئیل - آياهرگاه آورد پیغامبری نزد شما آنچه دوست ندارد نفسهای شما سرکشی کردید پس گروهی را دروغگو داشتید و گروهی را کشتید (۸۷) .

و گفتند^(۲) دلهای مادر پرده است، بلکه

الْقِيَمَةَ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِعَاقِلٍ عَمَّا تَمَلُّونَ ۝

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَحْفَظُونَ عَنَهُمُ الْعَذَابَ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۝

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَعَّلْنَا مَن بَعْدَهُ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنَّا تَوَهَّوْا أَنفُسَكُمْ أَفَكُلَّمَا نَزَّلْنَا مِنكُم مِّن لَّدُننَا آيَةً كَذَّبْتُمْ فَلَقُوا كَذِّبْتُمْ وَظُرِقْتُمْ فَتَقْتُلُونَ ۝

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ

(۱) یعنی منع کرده شدند از کشتن و جلاوطن کردن و در ظلم مدد گاری نمودن و فرموده شدند بفرمای اسیران و ایشان ازین همه احکام بفرمای اسیران عمل کردند و بس زیرا که موافق نفس ایشان افتاد و این طاعت نفس است طاعت خدا نیست .

(۲) مترجم گوید و دیگر از قبایح یهود آن بود که میگفتند قلوبنا غلف یعنی در دین خود آنقدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی یابد و این خطاست که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد و جهل بود نه تقوی زیرا که آثار تقوی هیچگاه =

فَقَالُوا لَا مَتَابُؤُمُونَ ﴿۸۸﴾

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ
وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْهِمُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَرِهْنَا
جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ
اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۸۹﴾

نفرین کرده است ایشان را خدا بسبب
کفر ایشان پس اندکی ایمان آرند (۸۸) .
وآنگاه که آمدبایشان کتاب از نزدیک^(۱)
خدا باورکننده آنچه بایشان است و پیش
ازین طلب فتح می کردند برمشرکان پس
هرگاه آمدبایشان آنچه میدانستند
منکرشدند ویرا پس لعنت خدا است
برآن کافران^(۲) (۸۹) .

بدچیز است آنچه فروختند عوض وی
خویشتن راکه کافرشوند بآنچه فرودآورده
است خدا بسبب حسد برآنکه فرودآورد
خدا برحمت خود برهرکه خواهد ازبندگان
خود پس بازگشتند بخشمی بالای خشمی
وکافران راست عذاب خوارکننده (۹۰) .

وچون گفته شود ایشان را ایمان آرید بآنچه
فرود آورده است خدا گویند ایمان می
آریم بآنچه فرود آورده شدبرما وایشان
کافر می شوند بآنچه غیرآز ویست حال
آنکه او راست است باورکننده آنچه
بایشان است بگو پس چرامی کشتید
پیغمبران خدا را پیش ازین اگر
شمامؤمن بودید (۹۱) .

وهرآئینه آمد به شما موسیٰ به نشانه های

يَسْمَا أَشْتَرُوا بِهِ أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَغْيًا
أَن يُكْرَهَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
فَبَاءَ وَبِعَضْبٍ عَلَى غَضْبٍ وَاللَّكْفِيرِينَ عَذَابٌ
مُّهِينٌ ﴿۹۰﴾

وَإِذْ أَوَّلُ لَهْمٍ أَيْمُونًا أَنزَلَ اللَّهُ قَالَ لَوْ تَوَدُّونَ
بِمَا أَنزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ
الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ
أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۹۱﴾

وَلَمَّا جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ

= ازایشان ظاهر نمی شد و اشارت همین معنی است درین آیات .

(۱) یعنی قرآن .

(۲) تعریض است بآن قصه که یهود خیبر باغطفان جنگ میکردند و هزیمت می یافتند
آخردعا کردند که به بعثت نبی آخرالزمان ما را نصرت بده .

مِن بَعْدِهِمْ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿۹۱﴾

وَأَذْأَحَدُنَا وَمِنَّا فَكَمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ

حُدُومًا وَمَا آتَيْنَاكُمْ بَقْوَةً وَاسْتَعْوَأُوا آلَؤِاسِهِمْنَا

وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا نِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ

يَكْفُرُهُمْ قُلُوبُهُمْ بِشِمَا يَا مَرْكُم يَا

إِنبَاءُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۹۲﴾

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِن

دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّعُوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۹۳﴾

وَلَنْ يَمَسُّوهُ أَبَدًا إِنَّمَا قَدَّمَ تَأْيِيدُهُمْ

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿۹۴﴾

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِمْ وَمِنَ

الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوِ اتَّخَذُوا آلَهُم لَوِ يُعْتَرَفُ سَنَةً

وَمَا هُوَ بِمُخْرَجِهِم مِّنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعْتَرَفُوا وَاللَّهُ

بَصِيرٌ بِنِيَابِعْمَالِهِمْ ﴿۹۵﴾

روشن پس گرفتید گوساله را پس ازوی
و شما ستمگار بودید (۹۲) .

و آنگاه که گرفتیم پیمان شمارا و برداشتیم
بالای شما طور را گفتیم بقوت بگیرید
آنچه رابه شما دادیم و بشنوید - گفتند^(۱)
شنیدیم و نافرمانی کردیم و آمیخته کرده
شد دردلهای ایشان دوستی گوساله بسبب
کافر بودن ایشان بگوید چیز است آنچه
میفرماید شمارا ایمان شما اگر
هستید از اهل ایمان (۹۳) .

بگو^(۲) اگر هست شمارا سرای بازپسین
نزد خدا بتخصیص بجزاز مردمان دیگر
پس آرزو کنید مرگ را اگر هستی دراست
گو (۹۴) .

و هرگز آرزو نکنند اورا هیچگاه بسبب آنچه
پیش فرستاده است دستهای ایشان و خدا
دانا است به ستمگاران (۹۵) .

و هر آینه بیابی ایشان را حریص ترین مردم
بر زندگانی و حریص تر از آنانکه مشرک
اند دوست میدارد یکی از ایشان کاش عمر
داده شود هزار سال و نیست رهاننده وی
از عذاب آنکه عمر داده شود و خدا
بیناست بآنچه می کنند^(۳) (۹۶) .

(۱) یعنی بزبان حال .

(۲) دیگر از تحریفات یهود آن بود که میگفتند که داخل نخواهد شد در هشت هیچکس
مگر یهود و این خطاست زیرا که علامت بهشتیان مشتاق شدن بملاقات خدا است
و ایشان از مرگ هراسان بودند و اشارت بهمین معنی است درین آیت .

(۳) دیگر از جمع هفوه کلام بیهوده را گویند هر چه از دهن برآید .

بگو^(۱) هر که باشد دشمن جبرئیل چه زیان می کند پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن را بر دل تو بحکم خدا باور دارند آنچه پیش از وی است و رهنما و مژده دهنده اهل ایمان (۹۷).

هر که باشد دشمن خدا را و فرشتگان ویرا و پیغامبران ویرا و جبرئیل و میکائیل را پس هر آئینه خدا دشمن کافران است . (۹۸)

وهر آئینه فرود آوردم بسوی تو نشانه های روشن و کافر نمی شوند بآنها مگر بدکاران . (۹۹)

آیا هر گاه که بستند پیمانی را بر انداخت آن را گروهی از ایشان بلکه اکثر ایشان باور نمی دارند (۱۰۰) .

وهر گاه که آمد بایشان پیغامبری از نزد خدا باور دارند آنچه بایشان است افکند گروهی از آن قوم که داده شده اند کتاب آن کتاب خدا را پس پشت خویش، گویا نمی دانند (۱۰۱) .

و پیروی^(۲) کردند آنچه می خواندند

كُلٌّ مِّنْ كَانَ عَنِ الْجِبْرِيلِ قَائِنٌ نَزَّلَهُ عَلٰى قَلْبِكَ
يَا ذُنِ اللّٰهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى
لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ۝

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ
وَمِيكَائيلَ قَائِنًا اللّٰهُ عَدُوًّا لِّلْكَافِرِيْنَ ۝

وَلَقَدْ اَنْزَلْنَا لَيْلَةَ الْبَيْتِ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا الْاَكْثَرُ
الْفٰسِقُوْنَ ۝

اَوْ كَلِمَاتٍ عَهْدًا وَعَهْدًا تَبَدَّلَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلِ الْاَكْثَرُ
لَا يُؤْمِنُوْنَ ۝

وَلَيَسَّآءَ لَهُمْ رِسْوَلٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ
بَيِّنَاتٍ فَرِيقٌ مِّنْ الْاٰنِسِيْنَ اَوْتُوا الْكِتٰبَ لِيُحْكُمَ اللّٰهُ وَرَآءَ
ظُهُورِهِمْ كَانْتَهُم لَّا يَعْلَمُوْنَ ۝

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوا لَيَسَّآءَ لَهُمْ رِسْوَلٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ
بَيِّنَاتٍ فَرِيقٌ مِّنْ الْاٰنِسِيْنَ اَوْتُوا الْكِتٰبَ لِيُحْكُمَ اللّٰهُ وَرَآءَ
ظُهُورِهِمْ كَانْتَهُم لَّا يَعْلَمُوْنَ ۝

(۱) دیگر از هفوات یهود آن بود که جبرئیل را دشمن میداشتند که عذاب برامم سابقه فرود آورده این خطاست که جبرئیل مامور است از بارگاه حق عزوجل ویرا چه اختیار .

(۲) دیگر از هفوات یهود آن بود که سحر میگرد و سلیمان علیه السلام را ساحر می دانستند این افترا بود بر سلیمان علیه السلام و اشارت بهمین معنی است درین آیت .

شیطانان در سلطنت سلیمان - و کافر نشد سلیمان و لیکن شیطانان کافر شدند می‌آموختند مردمان را جادو و پیروی کردند بآنچه فرود آورده شد بر دو فرشته در بابل هاروت و ماروت و نمی‌آموزند هیچ کس را تا آنکه گویند جزاین نیست که ما بلائیم پس کافر مشو پس یادمی گیرند از ایشان افسونی که جدائی می‌افکنند بسبب وی در میان مرد و زن او نیستند ایشان زیان رساننده بسحر هیچکس را مگر باراده خدا و ایشان می‌آموختند آنچه زیان میرساند ایشانرا و سود ندهد ایشان را و هر آئینه دانسته اند هر که بستاند جادو که نیست او را در آخرت هیچ بهره و هر آئینه بد چیزست آنچه فروختند عوض وی خویشتن را کاش می‌دانستند (۱۰۲) .

و اگرایشان ایمان می‌آوردند و تقوی اختیار می‌کردند هر آئینه ثواب از نزدیک خدا بهتر بودی کاش می‌دانستند (۱۰۳) .

ای مومنان مگوئید راعنا و بگوئید انظرنا و نیک بشنوید و کافران راست عذاب درد دهنده^(۱) (۱۰۴) .

وَمَا كَفَرْنَا سَلِيمًا وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ

النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُتَلَكِّينَ مِن بَابِلَ

هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يَظُنُّونَ مِن آيَاتِنَا أَنَّمَا

نَحْنُ فِي فِتْنَةٍ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ

بِهِ بَيْنَ الرَّسُولِ وَرُؤُسِهِمْ وَمَا هُمْ بِضَآئِرِينَ بِهِ مِنْ

أَحَدٍ إِلَّا يَرِذْنَ اللَّهَ وَيَتَمَلَّكُونَ مَا يُضِرُّهُمْ

وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ

فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ثُمَّ لَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ

أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۲﴾

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَآتَمَّوْا الْأَمْرَ الْمُؤْتَبَرَ مِن عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۳﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَتَقُولُوا انظُرْنَا

وَأَسْمِعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۰۴﴾

(۱) دیگر از هفوات یهود آن بود که در مجلس پیغامبر آمده لفظ راعنامی گفتند و این لفظ را دو معنی است یکی آنکه رعایتکن مارا و شفقت کن بر ما دیگر رعونت دارنده یعنی ابله - و قصد ایشان سبب بود حق سبحانه و مسلمنان را ازین کلمه نهی کرد برای سدباب فساد و اشارت بهمین معنی است درین آیت .

دوست نمیدارند آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان که فرود آورده شود بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما و خدا مخصوص می کند به بخشایش خود هر کرا خواهد و خدا خداوند فضل بزرگ است (۱۰۵) .

هر چه نسخ می کنیم از آیتی یا فراموش می گردانیم آثر می آید بهتر از وی یا مانند وی آیندانسته ای که خدا بر همه چیز تواناست^(۱) (۱۰۶) .

آیندانسته ای که خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست شمارا بجزوی هیچ دوست و نه یاری دهنده (۱۰۷) .

آیامی خواهید که سوال کنید پیغامبر خود را چنانکه سوال کرده شد موسی پیش ازین و هر که بستاند کفر را عوض ایمان پس هر آینه گم کرد راه میانه را (۱۰۸) .

دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که کافر گردانند شمارا بعد از ایمان شما بسبب حسد از نزدیک نفوس خود پس از آنکه واضح شد برایشان حق پس عفو کنید و درگذرانید تا آنکه آرد خدا فرمان خود را^(۲) هر آینه خدا بر همه چیز تواناست (۱۰۹) .

مَا يَتُوبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ
أَنْ يُكْرَمَ عَلَيْكُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ
بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿۱۰۵﴾

مَا تَسْأَلُونَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنزِلُهَا أَنْ تُعَذِّبَهُمْ أَوْ يَكْفُرُوا بِاللَّهِ
تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۰۶﴾

أَلَمْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ قَوْلٍ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۱۰۷﴾

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلُوا مُوسَىٰ
مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ
سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿۱۰۸﴾

وَدَكَّرْتُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ
إِيمَانِكُمْ لَكَارِهُسَاءُ مِمَّنْ عِنْدَنَا أَنفُسَهُمْ مِنْ بَعْدِ
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ
اللَّهُ بِأَمْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۰۹﴾

(۱) مترجم گوید درین آیت تعریض است بجواب یهود که انکار نسخ می کردند واللہ اعلم .

(۲) یعنی امر کند بجهد ایشان واللہ اعلم .

و برپادارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش می فرستید برای خویشان از نیکوکاری خواهید یافت آنرا نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه می کنید بیناست (۱۱۰).

و گفتند هرگز به بهشت درنیاید مگر آنکه یهود باشد یا ترس باشد این آرزوهای باطله ایشانست بگوبارید دلیل خود را اگر هستید راست گو (۱۱۱).

بلی هر که منقاد کرد روی خود را برای خدا و وی نیکوکار باشد پس او است مزد او نزد پروردگار خویش، و نیست ترس برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند (۱۱۲).

و گفتند^(۱) یهود نیستند ترسایان برهیچ چیزی، و گفتند ترسایان نیستند یهود برهیچ چیزی و ایشان همه می خوانند کتاب را هم چنین گفتند آنانکه نمی دانند،^(۲) مانند قول ایشان، پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می کنند در آن (۱۱۳).

و کیست ستمگارت تر از آنکه منع کرد مسجد های خدا را از آن که یاد کرده شود نام خدا در آنها و کوشش کرد در ویرانی آنها، این گروه نمی سزد ایشان را که درآیند

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ نَجِدْهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۰﴾

وَقَالُوا لَنْ نَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِنْ لَمْ نَكُنْ هُودًا أَوْ نَصْرًا يَتْلُكَ آيَاتِنَاهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۱۱﴾

بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۱۲﴾

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَاءُ عَلَى الْيَهُودِ عَلَى سَنَىٰ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ قَالَ اللَّهُ إِنَّكُمْ تُجَادِلُونَهُمْ يُوعَمُونَ أَلَيْسَ فِيهَا كَأْتَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۱۱۳﴾

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَتَّخِذُوا إِلَّا خِلَافِينَ لَهُمْ فِي النَّبَا خَرَجُوا لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ

(۱) دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که هر فرقه از یهود و نصاری دیگر را انکار می کرد و اشارت به همین معنی است درین آیت .

(۲) یعنی مشرکان گفتند .

عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۳﴾

بمسجدها مگر هراسان ایشان راست
دردنیا خواری و ایشان راست در آخرت
عذاب بزرگ^(۱) (۱۱۴) .

وَاللَّهُ الشَّرِيفُ وَالْمُعَرَّبُ فَأَيُّهَا تَوَلَّوْا فَنَحْمُ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ
اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۴﴾

و خدا راست مشرق و مغرب هرسوکه
رو آرید همانجاست روی خدا هر آئینه
خدا فراخ نعمت دانا است^(۲) (۱۱۵) .

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَ بِنِ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ كُلُّ لِهٖ قَدِيۡتُوۡنَ ﴿۱۵﴾

و گفتند بگرفت خدا فرزند را، پاکی او
راست بلکه او راست آنچه در آسمانها
و زمین است، همه فرمانبردار او هستند^(۳)
(۱۱۶) .

بَدِيۡعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِذَا قَضٰۤىۤ اَمْرًا فَاِنۡهٰۤا يَقُوۡلُ
لِهٖ كُنۡ فَيَكُوۡنُ ﴿۱۶﴾

آفریننده آسمان ها و زمین است، و چون
می کند کاری پس جزاین نیست که می
گوید او را بشو پس می شود (۱۱۷) .

وَقَالَ الَّذِيۡنَ لَا يَمْلِكُوۡنَ لَوْلَا كَلِمٰتُ اللّٰهِ اَوْ تَارِيۡنَا
اِيۡهٖۤ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيۡنَ مِنْ قَبْلِهِمۡ مِّثْلُ
قَوْلِهِمْ تَشَابَهتۡ قُلُوۡبُهُمْ قَدْ بَيۡتَكُمُ الْاٰلِهَۃُ لِقَوْمِ
يُؤۡفِكُوۡنَ ﴿۱۷﴾

و گفتند آنانکه هیچ نمیدانند (یعنی
مشرکان) چرا با ما سخن نمی گوید خدا
یانمی آید بما نشانه ای هم چنین گفتند
کسانیکه پیش از ایشان بودند مانند قول
ایشان بیکدیگر مشابعت دارند دلهای
ایشان، هر آئینه بیان کردیم نشانه هارا
برای گروهی که یقین می کنند (۱۱۸) .

اِنۡكَاۡرُۤا سَلٰتِكُمۡ بِالْحَقِّ بَشِيۡرًا وَاَوۡتٰدِيۡرًا وَاَوۡلٰسْتَلۡعَنۡ

هر آئینه ما فرستادیم ترا برآستی مژده

(۱) درین آیت تعریض است بکفار مکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان و الله اعلم .

(۲) دیگر از هفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد استهزاء میکردند اشارت بهمین معنی است درین آیت .

(۳) دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که یهود عزیز را و نصاری عیسی را پسر خدای گفتند در ردّ ایشان خدای تعالی این آیت نازل کرد .

أَصْحَابِ الْجَنَّةِ ۝۱۱

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَهُم مَّا رِءُوسُهُمْ
قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ فَمَا لَهُ هَادٍ إِلَيْهِمْ وَإِنْ أَبَىٰ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ
الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝۱۲

الَّذِينَ اتَّيَهُمُ الْكِتَابُ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ
بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَافِرُونَ ۝۱۳

يَذَرِي أَسْرَأَئِيلَ أَكْذُوبًا يَغْتَابِ الْبَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَيْنَا مَا لَكُمُ
فَعَلْتُمْ عَلَى الْعَذَابِ ۝۱۴

وَأَتَقُوا يَوْمَ الْأَحْزَابِ نَفْسًا عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا
عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۝۱۵

دهنده و بیم کننده، و پُرسیده نخواهد شد
ترا از اهل دوزخ (۱۱۹) .

و هرگز خوشنود نشوند از تو یهودان و نه
ترسایان تا آنکه پیروی کنی کیش ایشان را
بگو هر آئینه هدایت خدا همانست هدایت
و اگر پیروی کردی آرزوهای باطله ایشان
را پس از آنچه آمده است بتو ازدانش
نباشد ترا برای خلاص از عذاب خدا هیچ
دوستی و نه یاری دهنده ای (۱۲۰) .

آنانکه دادیم ایشان را کتاب (یعنی
تورات) میخوانند آنرا حق خواندن آن
ایشان باور میدارند و پرا (هدایت خدارا)
و هر که منکروی باشد پس ایشانند زیان
کاران^(۱) (۱۲۱) .

ای بنی اسرائیل یاد کنید آن نعمت مرا که
انعام کرده ام بر شما و آنکه فضل دادم
شمارا بر همه عالمها (۱۲۲) .

و حذر کنید از آن روز که کفایت نه کند
کسی از کسی چیزی را و پذیرفته نشود
از کسی بدل و سود ندهد او را شفاعت و نه
ایشان یاری داده شوند^(۲) (۱۲۳) .

(۱) یعنی آنانکه تورات رامی فهمند تصدیق شریعت محمدیه میکنند و آنانکه تصدیق
نمی کنند تورات را نمی فهمند .

(۲) مترجم گوید ازین جا تا سیقول السفهاء خدای تعالی اثبات می فرماید نبوت پیغمبر
مارا صلی الله علیه وسلم از قصه دعاء حضرت ابراهیم که در تورات مذکور است
و ترجیح میدهد ملت حنیفیه را که حضرت پیغمبر برای آن مبعوث اندورد میکند
قول یهود را که حضرت یعقوب مارابه یهودیت وصیت کرده است و از تفریق =

و یادکن چون بیازمود ابراهیم را پروردگار او بسخنی چند، پس ابراهیم بانجام رسانید آنها را، گفت خدا هر آئینه من می گردانم ترا پیشوای مردمان گفت ابراهیم و از اولاد من نیز (پیشوایان پیداکن -) فرمود نه رسد عهد (وحی) من بظالمان (۱۲۴) .

و آنگاه که قرار دادیم کعبه را مرجع مردمان و محل امن و بگیرد از جای قدم (ایستگاه) ابراهیم نمازگاه و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل که پاك سازید خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع سجده کنندگان (۱۲۵) .

و آنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بساز این مکان را شهر با امن و روزی ده ساکنان وی را از میوه ها و روزی ده آنرا که ایمان آورد از ایشان بخدا و روز باز پسین فرمود خدا و کسیکه کافر شود بهره مند گردانمش اندکی پس به بیچارگی برانم او را بسوی عذاب آتش ووی بد جای باز گشت است (۱۲۶) .

آنگاه که بلند می کردند ابراهیم و اسمعیل بنیادهای خانه را گفتند ای پروردگار ماقبول کن از ما هر آئینه تویی شنوا دانا (۱۲۷) . ای پروردگار ما و بگردان ما را فرمان

وَأَنبَتْنَا لَهُمْ رِيَّةً يَجْلِبُونَ فَاتَّبَعْنَاهُ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ آيَةً قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَكِنِّي تَالِعَمِّي
الظَّالِمِينَ ﴿۱۲۴﴾

وَأَجْعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَنُفِذْنَا مِنْ مَّكَامٍ إِيَّاهُمْ
مُضِلًّا وَعَمَدًا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ
وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۱۲۵﴾

وَأَذَقْنَا لِرَبِّهِمْ رَبِّي أَجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آيَةً وَأُنذِرُ أَهْلَهُ مِنَ
الظُّلُمَاتِ مَنَ الْإِنِّ وَنَهَّمُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ
فَأَمْرُهُ أَفِي سَاطِرِ أَعْيُنِنَا وَإِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَسَّ عَصِيْبُ ﴿۱۲۶﴾

وَأَذَرْنَا لَهُمْ الْقَوَائِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلَ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا
إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً

لَكَ وَأَرْتَابًا مِّمَّا سَكْنَا وَتُبَّ عَلَيْتَاهُ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿۳۸﴾

بردارخودت و از اولاد ما بکن گروهی
منقاد خودت و بنما مارا طریق عبادتهای ما
و بمهربانی بازآ بر ما بدرستی که توئی توبه
پذیر مهربان (۱۲۸) .

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳۹﴾

ای پروردگار ما بفرست در میان ایشان
پیغامبری از ایشان بخواند برایشان آیههای
ترا و بیاموزد ایشان را کتاب و علم و پاک
کندایشان را هر آئینه توئی توانادانا
(۱۲۹) .

وَمَنْ يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ الْأَمِنِ سِوَةَ نَفْسِهِ وَلَقَدْ
اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ
الطَّاهِرِينَ ﴿۴۰﴾

و کیست که رو بگرداند از کیش ابراهیم
مگر آنکه در احمق افکند نفس خود را
و هر آئینه برگزیدیم او را درین سرای و هر
آئینه او در سرای دیگر از شائستگان است
(۱۳۰) .

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۱﴾

آنگاه که گفت او را پروردگار او که
منقاد شو گفت منقاد شدم مر پروردگار
عالمهارا (۱۳۱) .

وَوَضِعْنَا لِيهِمْ يُبْنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَبْنِيهِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى
لِكُلِّ دِينٍ قَلَّةً مِّنْهُمْ إِلَّا وَاتَّخَذْتُمْ مُمْلِكِينَ ﴿۴۲﴾

و وصیت کرد باین کلمه ابراهیم پسران
خود را و یعقوب نیز فرزندان او را
فرزندان من هر آئینه خدا برگزیده است
برای شما این دین را پس (ازین جهان)
نمیرید مگر مسلمان شده (۱۳۲) .

أَمْ لَمْ تَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ
لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ
آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلهًا وَاحِدًا
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۴۳﴾

آیا حاضر بودید آنگاه که پیش آمد یعقوب
را موت آنگاه که گفت فرزندان خود را چه
چیز را عبادت خواهید کرد بعد از من گفتند
عبادت کنیم معبود ترا و معبود پدران ترا
که ابراهیم و اسمعیل و اسحق اند
عبادت کنیم آن معبود یگانه را و ما او را
منقادیم (۱۳۳) .

این گروهی است که درگذشت وی راست آنچه کسب کردند و شمارا است آنچه کسب کردید و شما پرسیده نخواهید شد از آنچه آن گروه می کردند (۱۳۴).

وگفتند شوید یهودی ترسا تاراه بیابید، بگو بلکه پیروی می کنیم بملت ابراهیم که حنیف بود و نبود از اهل شرك (۱۳۵).

بگوئید ایمان آوردیم بخدا و آنچه فرود آورده شده بسوی ما و آنچه فرود آورده شده بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ذریت یعقوب و آنچه داده شد موسی و عیسی را و آنچه داده شدند پیغامبران از پروردگار خویش تفریق نمی کنیم در میان هیچ کس از ایشان و ما برای حق عزوجل منقادیم (۱۳۶).

پس اگر باور دارند اهل کتاب بآنچه باور داشتید شما پس راه یافتند و اگر برگشتند پس جزاین نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود با شد که کفایت کند ترا خدا بان تقام از ایشان و اوست شنوا دانا (۱۳۷).

قبول کردیم رنگ خدارا^(۱) و کیست بهتر از خدا باعتبار رنگ و ما او را پرستند گانیم (۱۳۸).

بگو آیا مکابره می کنید با ما درباب خدا و او پروردگار ما و شماست و ما راست

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ
وَلَا تَسْأَلُونَ عَنَّا كَأَنَّا بِعِبَادُونَ ﴿۱۳۴﴾

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ
حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۳۵﴾

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أَرْسَلْنَا
إِلَّا رُسُلًا مِثْلَ نوحٍ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْإِسْحَاقَ وَمَا أَرْسَلْنَا
مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِهِمْ إِلَّا نَذِيرًا بَيْنَ أَيْدِي
مَنْعَمٍ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۶﴾

فَإِنِ امْتُؤِبْتُمْ مِمَّا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِن تَوَلَّوْا
فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ﴿۱۳۷﴾

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ
عِيدُونَ ﴿۱۳۸﴾

قُلْ إِنَّمَا حُجُّنَا إِلَى اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا

کردارهای ما و شما راست کردارهای شما و ما اورا باخلاص پرستندگانیم (۱۳۹) .

آیامی گوئید که هر آئینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نیرگان او یهود بودند یا ترسابودند بگو شما دانا ترید یا خدا و کیست ستمگار تراز آنکه بیوشد آن گواهی را که نزدیک اوست از جانب خدا و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنید (۱۴۰) .

این گروهی است که درگذشت ویراست آنچه کسب کردند و شماراست آنچه شما کسب کردید و پرسیده نخواهید شد از آنچه ایشان می کردند (۱۴۱) .

(۱) خواهند گفت بیخردان از مردم چه چیز برگردانید ایشان را از آن قبله که ایشان بودند بر آن (یعنی از بیت المقدس) بگو خدا راست مشرق و مغرب راه می نماید هر کر اخو اهد بسوی راه راست (۱۴۲) .

وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿۱۳۹﴾

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ إِنَّا نَعْتَمِدُكُمْ أَعْلَمُ أَمَّ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۴۰﴾

بَلْ أَنتُمْ أَقَمَةٌ قَدْ خَلَقْتُمْ لَهَا مَا كَسَبْتُمْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۗ وَلَا تَسْتَعْتَبُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴۱﴾

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ عَنِّي وَعِلْمِي وَاللَّيْلِ كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ يَلَهُ الشَّرْقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۱۴۲﴾

(۱) چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمدینه هجرت فرمود شانزده ماه یافته ماه بطرف بیت المقدس نمازی گذارد آرزو میکرد که خدای تعالی کعبه را قبله وی سازد خدای تعالی نازل کرد قدری تقلب الایة بعد از آن جواب شبهه سفهادرین مسئله نازل کرد سیقول السفهاء وبعد از آن امر فرمود به صبر بر مشاق جهاد ودر بسیاری از احکام توحید و قصاص و حج و صوم و صدقه و نکاح و طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند یا رعایت انصاف نمی کردند بیان حقیقت حال فرمود و رد و ابطال شبهات مخالفین کرد و سوال های ایشان را جواب داد و این سیاق ممتد است تا الم ترالی الذین خرجوا .

وهم چنین ساختیم شمارا گروهی مختار تا گواه باشید بر مردمان و تا باشد رسول گواه بر شما و مقرر نکردیم آن قبله را که بودی بر آن (یعنی بیت المقدس را) مگر برای آنکه بدانیم کسی را که پیروی پیغمبر کند جدا از آن کس که بازگردد بر هر دو پاشنه خود و هر آئینه هست این خصلت دشوار مگر بر آنکه ایشانرا راه نموده است خدا و خدا ضائع نمی سازد گرویدن شمارا هر آئینه خدا بر مردمان بخشاینده مهربان است . (١٤٣)

به تحقیق مامی بینیم گشتن روی تو در جانب آسمان^(۱) پس البته متوجه گردانیم ترا بآن قبله که خوشنود شوی بوی پس متوجه گردان روی خود را بطرف مسجد حرام و هر جا که باشید پس متوجه گردانید روهای خویش را بطرف وی و هر آئینه اهل کتاب میدانند که این راست است از پروردگار ایشان و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنند (١٤٤) .

و هر آئینه اگر بیاری پیش اهل کتاب هر نشانه هرگز پیروی نکنند قبله ترا و نیستی تو پیروی کننده قبله ایشان را

وَلَدَاكَ جَعَلْنَاهُ آيَةً وَسَطًا لِيَكُونَ نُشَاهِدًا عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ
الرَّسُولَ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا
إِلَّا لِنَعْلَمَ مِنْ تَقِيَمِ الرُّسُولِ وَمِنْ يَنْقَلِبُ عَلَيْهِ قَبِيلُهُ
وَإِنْ كَانَتْ لَكَيْدٌ إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ
لِيُضِلَّ عِبْرًا لَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوُّوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٣﴾

قَدْ رَأَى نَقْلُكَ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَلَتَوَلَّىكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ
وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ
شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ
وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾

وَلَيْنَ آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِحُلِّ آيَةٍ مَا تَتَّبِعُوا بَيْتَكَ
وَمَا آتَيْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ فِي بَعْضٍ قِبْلَةٌ بَعْضٌ
وَلَيْنَ اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ لَبَدَدٌ مآجَاءَ كَمَا مِين

(١) یعنی آنچه در سابق علم الهی مقرر شد آنست که قبله امت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم کعبه باشد و توجه به بیت المقدس يك چند مدت بنا بر حکمت امتحان است .

الْعِلْمُ إِنَّكَ إِذْ أَلَمْتَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۷﴾

نیستند بعضی ایشان پیروی کننده قبله
بعض دیگر را و اگر تو پیروی کنی
خواهش های نفسانی ایشان را بعد آنچه
آمده است بتوزدانش هر آئینه تو باشی
آنگاه ازستمگاران (۱۴۵) .

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ
فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۸﴾

کسانیکه داده ایم ایشان را کتاب می
شناسند* ویراچنانکه می شناسند فرزندان
خویش را و هر آئینه گروهی ازایشان می
پوشند حق را دانسته (۱۴۶) .

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكْفُرُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۹﴾

این درست است ازپروردگار تو پس
مباش از شک آردگان (۱۴۷) .

وَالَّذِي بَيْنَهُمَا مَوْلَاهُمَا فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ إِنَّ أَيْنَ مَا كَانُوا
يَأْتِيَهُمْ اللَّهُ جُوعًا وَإِنْ أَلَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۰﴾

وهر کسی راجانبی هست که وی متوجه
آنست پس شتاب کنید بسوی نیکی
هاهرجا که باشید بیاردمشمارا خدا جمع
ساخته هر آئینه خدا بر همه چیز تواناست
(۱۴۸) .

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ
لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَاللَّهُ يَبْعَثُ مَا يَحْتَسِبُونَ ﴿۲۱﴾

وهرجا که روی پس متوجه کن روی
خود را جانب مسجد حرام و هر آئینه وی
راست است ازپروردگار تو و نیست خدا
بی خبر از آنچه می کنید (۱۴۹) .

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ
مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ
إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ فَلَا تَحْزَنُوا وَاصْبِرُوا لِحُكْمِ رَبِّكُمْ
يَعْبَأْ بِعَلَيْكُمْ وَاللَّهُمُّ هُمْ تَدُونَ ﴿۲۲﴾

وهر جا که روی پس متوجه کن روی
خود را جانب مسجد حرام و هر جا که
باشید پس متوجه کنید رو های خویش را
جانب وی تانباشد مردمان را الزام بر شما
مگر آنانکه ستم کردند ازین جماعت پس

(۲۲) بعض علماء از ضمیر "يَعْرِفُونَهُ" پیغمبر مراد گرفته اند والله اعلم (مصحح) .

(۱) یعنی حقیقت استقبال کعبه را .

مترسید از ایشان و برتر سید از من و تا تمام
کنم نعمت خود را بر شما و تا بود که راه
یابید^(۱۱) (۱۵۰) .

چنانکه فرستادیم پیغامبری در میان
شما از قوم شما میخواند بر شما آیت های
ما را پاک می سازد شمارا و می
آموزد شمارا کتاب و حکمت و می آموزد
شمارا آنچه نمی دانستید (۱۵۱) .

پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شمارا و سپاس
گوئید مرا و ناسپاسی من مکنید (۱۵۲) .

ای مسلمانان مدد جوئید در تحصیل ثواب
آخرت به صبر و نماز و هر آئینه خدا
با صابران است (۱۵۳) .

و مگوئید کسی را که کشته شود در راه
خدا که ایشان مرد گانند بلکه ایشان زنده
اند ولیکن شما درک نمی کنید (۱۵۴) .

و هر آئینه بیازمائیم شمارا به چیزی از ترس
و گرسنگی و نقصان مال ها و جان ها
و میوه ها و بشارت ده صابران را (۱۵۵) .

آنانکه چون برسد بدیشان سختی گویند
هر آئینه ما از آن خدائیم و هر آئینه
ما بسوی وی باز خواهیم گردید (۱۵۶) .

این گروه برایشان است درودها از

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ
وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿۱۵۰﴾

فَأَذْكُرُوا مِنِّي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُوا ﴿۱۵۱﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ
الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۲﴾

وَلَا تَقُولُوا لِمَن قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِن
لَّا تَشْعُرُونَ ﴿۱۵۳﴾

وَلَنَبَلِّغُكُمْ رَجْعِي مِنَ الْعَذَابِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ
وَالْأَنْفُسِ وَالْجَسَدِ وَيُبَيِّرُ الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۴﴾

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ
رَاجِعُونَ ﴿۱۵۵﴾

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿۱۵۶﴾

(۱) مترجم گوید در تورات مذکور است که امتی از بنی اسرائیل پیدا خواهد شد که
تعظیم کعبه کند پس توجه آنحضرت صلی الله علیه وسلم به کعبه حجت باهره
است بر صدق نبوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نزدیک اخبار یهود اگرچه
سفهاء یهود طعن کنند که قبله انبیاء را گذاشت والله اعلم فتح الرحمن .

پروردگار ایشان و بخشایش و ایشانند راه یافتگان (۱۵۷) .

هر آئینه صفا و مروه از نشانه های خدا است پس هر که حج خانه کند یا عمره بجآرد پس بزه نیست بروی درآنکه طواف کند در میان این هر دو^(۱) و هر که نیکی بجا آرد پس خدا قبول کننده دانا است (۱۵۸) .

هر آئینه آنانکه می پوشند آنچه فرود آورده ایم از سخنان روشن و هدایت بعد از آنکه بیان کردیم آنرا برای مردمان در کتاب آن گروه لعنت می کند ایشان را خدا و لعنت میکنند ایشانرا لعنت کنندگان (۱۵۹) .

مگر کسانیکه توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند و بیان کردند پس این گروه (بمهربانی) توبه می پذیریم از ایشان و منم توبه پذیر مهربان (۱۶۰) .

هر آئینه آنانکه کافر شدند و مردند در حال کافر بودن آن گروه برایشان است لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همه يك جا (۱۶۱) .

همیشه باشند در آن لعنت سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند (۱۶۲) .

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَطَّوَّرَهُمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿۱۵۷﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُوْحِيَ مِنْ بَعْدِ مَا نَزَّلْنَاهُ فِي الْكِتَابِ فَأُولَٰئِكَ يُلَعْنُهُمُ اللَّهُ وَيَلَعْنُهُمُ اللَّعِينُونَ ﴿۱۵۹﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّوْا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶۰﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَأَمَّاؤُوا هُمْ كَفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۶۱﴾

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخْفَىٰ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿۱۶۲﴾

(۱) بعض اهل اسلام صفا و مروه را از شعائر طواف بیت گمان کرده از آن دست بازداشتند - زیرا که در جاهلیت بالای صفا و مروه دویت عبادت می شد - پس این آیه نازل شد .

و معبود شما خدا یگانه است نیست هیچ معبود برحقى بجزوى بخشاینده مهربان است (١٦٣) .

هر آئینه در آفرینش آسمانها و زمین و آمدورفت شب و روز و آن کشتی که می رود در دریا بآنچه سود میدهد مردم را (یعنی تجارت) و درآنکه فرود آورد خدا از آسمان آب پس زنده ساخت بسبب وی زمین را پس از مردن آن و پراکنده ساخت در زمین هر نوع جنبنده و درگردانیدن بادها و در ابرام کرده شده میان آسمان و زمین هر آئینه نشانه هاست آن گروه را که درمی یابند (١٦٤) .

و از مردمان کسی هست که می گیرد بغیر از خدا همتایان را، دوست میدارند ایشان را مانند دوستی خدا و کسانیکه ایمان آوردند قوی تراند در دوستی خدا و اگر ببینند ستمگاران هنگامیکه مشاهده کنند عذاب را (می فهمند) اینکه قدرت و توانائی همه خدا را است و اینکه خدا صاحب سخت عقوبت است (١٦٥) .

در آن حالت که بیزار شوند پیشوایان کفر از تابعان و ببینند عذاب را و بریده شود به نسبت ایشان همه اسباب یعنی وسیلهها (١٦٦) .

و گویند پیروی کنندگان کاش ما را باز گشتی باشد تابیزیاری کنیم از آن پیشوایان چنانکه بیزار شدند ایشان از ما هم چنین بنماید خدا در نظر ایشان کردارهای

وَاللَّهُمَّ لَهُ وَإِلَهُ إِلَاهِ الْإِلَهِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٣٥﴾

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخَلْقِ الْإِنْسَانِ وَالطَّيْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالْمَلَكِ الَّذِي يَجْرِي فِي الْبَحْرِ مَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَنَّا فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَكَصَّرَفِينَا الرِّيحَ وَالسَّحَابَ الْمُشْرِقِينَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لِأَيِّ لِقَوْمٍ يُعْقِلُونَ ﴿٣٦﴾

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَكْفُرُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُضَاهَوْنَهُمْ كَيْفَ اللَّهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٣٧﴾

إِذْ تَجَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿٣٨﴾

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةٌ فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا وَإِنَّا لَكَاذِبِينَ ﴿٣٩﴾ اللَّهُ أَعْلَمُ حَسْرَتِ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِبَارِعِينَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٤٠﴾

ایشانرا پشیمانی ها برایشان نیستند
ایشان بیرون آیندگان از دوزخ (۱۶۷) .
ای مردمان بخورید حلال پاکیزه را از
آنچه در زمین است و پیروی مکنید گام
های شیطان را هر آئینه او شمارا دشمن
آشکار است^(۱) (۱۶۸) .

جزاین نیست که میفرماید شمارا به
بدکاری و بی حیائی و بآنکه افترا کنید
برخدا آنچه نمی دانید (۱۶۹) .

و چون گفته شود ایشان را پیروی کنید
آنراکه فرود آورد خدا گویند بلکه پیروی
می کنیم چیزی را که یافته ایم بروی پدران
خویش را آیا تقلید می کنند اگرچه
پدران ایشان نمی فهمیدند چیزی را وراه
نمی یافتند (۱۷۰) .

ومثال کافران درنشنیدن پندپیغامبرودرک
نکردن آن مانند حال کسی است که او
آوازکند آنچه را که نشنود او (یعنی حیوانی
که درک نکند) از آن آواز جزصدا و خواندن
پس ایشان کران و گنگان و کورانند پس
ایشان هیچ نمی فهمند (۱۷۱) .

ای مسلمانان بخورید ازپاکیزه ها آنچه
روزی دادیم شمارا و سپاس گوئید خدارا
اگر هستید اورامی پرستید (۱۷۲) .

جزاین نیست که حرام کرده است بر شما
مرداررا و خون را و گوشت خوک را و آنچه

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا
مُخْطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦٧﴾

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالْقِسْطِ وَالْقَضَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
مَالًا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

وَلَا ذَا قِيلٍ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَكْتُمُ
مَا آتَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ
لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا
دُعَاءَ وَنِدَاءَ صُغُرِهِمْ غُصًى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ

(۱) مترجم گوید اهل جاهلیت چیزها را از نزد خویش حرام ساخته بودند بحائز و
سوائب خدای تعالی درردایشان نازل کرد (فتح الرحمن) .

آواز بلند کرده شود براو بغیر نام خدا پس هر که مضطر شود نه تعدی کننده و نه از حد درگذرنده پس گناه نیست بروی (۱) هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است (۲) (۱۷۳) .

هر آئینه کسانی که می پوشند آنچه فرود آورده است خدا از کتاب و می ستانند عوض وی بهای اندک، آن جماعت نمی خورند در شکم های خود مگر آتش را و سخن نگویند بایشان خدا روز قیامت و نه پاك کند ایشان را و ایشان راست عذاب درد دهنده (۱۷۴) .

ایشانند آنانکه خرید کردند گمراهی را عوض هدایت و عذاب را عوض آموزش پس چه شکیبانند ایشان بردوزخ (۱۷۵) . این همه بسبب آنست که خدا فرود آورد کتاب را برآستی و هر آئینه آنانکه اختلاف کردند در کتاب البته در مخالفت دوراند از صواب (۱۷۶) .

نیست نکوکاری آنکه متوجه کنید روی خود را بطرف مشرق و

لَعْنَةُ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٠﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيُسْتَرُونَ بِهِ تَسْمَأُ كَلِمًا أَوْ لَيْك مَائًا يَكُونُ فِي بَطْنِهِمْ إِلَّا النَّارُ وَلَا يَكْفُرُهُمْ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُرِيدُهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢١﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ ۖ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿٢٢﴾

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ سَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَلِكَ الَّذِينَ اِخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لِيُبَيِّنَ ﴿٢٣﴾

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوْا وُجُوْهُكُمْ وَبَلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

(۱) یعنی در خوردن آن چیزها .

(۲) مترجم گوید که اگر گویی که درین آیت حصر کرده شد تحریم را در اشیاء مذکوره حالانکه در حدیث سبع و حمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است پس وجه تطبیق چه باشد گویم حصر اضافی است به نسبت بحائرو سوائب که حرام می دانستند پس در بهیمة الانعام هیچ چیز حرام نیست غیر اشیاء مذکوره و در خبائث و سبع و مانند آن سخن نه داشتند والله اعلم .

مغرب^(۱) ولیکن صاحب نیکوکاری آنست^(۲) که بخدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیغامبران ایمان آورد و بدهد مال را باوجود دوست داشتن آن مال به خویشاوندان و یتیمان و فقیران و مسافران را و سوال کنندگان را و خرج کند درباب بردها^(۳) و برپادارد نماز را و بدهد زکوة را و وفا کنندگان بر عهد خویش چون عهد کنند و صبر کنندگان در تنگ دستی و سختی و بوقت کارزار ایشانند راست گو و ایشانند پرهیزگاران (۱۷۷).

ای مسلمانان لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان^(۴) آزاد در مقابله آزاد است^(۵) و بنده در مقابله بنده وزن در مقابله زن پس کسی که در گذشته شد از او چیزی را از خون برادرش^(۶) پس حکم او پیروی کردن است به نیکوئی^(۷) و رسانیدن خون بهاست بوی به خوش خوئی^(۸) این حکم سبک کردن است

وَلَدَىٰ الْيَوْمِ أَمِنْ يَوْمِ الْأَحْزَابِ وَالْمَلِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالْمُجِدَّةِ وَأَنَّ الْمَالَ عَلَىٰ حَيْثُ دَوَى الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ فِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّادِقِينَ فِي الْبَيْعَاتِ وَالصَّرَّاءَ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۱۷۷﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ أَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْفَىٰ بِالْأَنْفَىٰ مَن عَفَىٰ عَنْهُ فَمَنْ عَفَا يُعْفَىٰ عَنْهُ مَن عَفَىٰ عَنِّي فَإِنَّهُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَّىٰ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَن اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلَهُ عَدَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۷۸﴾

- (۱) یعنی توجه جهت مشرق و مغرب چنانکه یهود و نصاریٰ زعم می کنند نیکوکاری نیست بلکه منسوخ شده است .
- (۲) یعنی صاحب آن نیکوکاری که ملتهداران اختلاف ندارند فتح .
- (۳) یعنی در آزادی یا خلاصی بندگان مکاتب .
- (۴) یعنی اعتبار مماثلت در کشتگان .
- (۵) یعنی مثل اوست در حکم .
- (۶) یعنی چیزی از خون مسلمان مقتول .
- (۷) یعنی وی دم به حسن معامله مطالبه کننده به درستی .
- (۸) یعنی قاتل به خوش خوئی ادانماید نه به صعوبت .

از پروردگار شما و مهربانی است پس هر که از حد گذرد بعد ازین ویراست عذاب درد دهنده (۱۷۸) .

و شمارا بسبب قصاص زندگانی است ای خداوندانِ خرد تاباشید که پرهیزگاری کنید^(۱) (۱۷۹) .

لازم کرده شد بر شما و قتیکه پیش آید کسی را از شما موت اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان به نیکوئی لازم شد این کاربرمقیان (۱۸۰) .

پس هر که بدل کند وصیت را بعد از آنکه شنیدش پس جزین نیست که گناه تبدیل بر آنکسان است که بدل می کنند آن وصیت را هر آئینه خدا شنوای داناست (۱۸۱) .

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۷۹﴾

كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا أَحْبَبْتُمْ أَحَدًا مِمَّنْ مَاتَ أَنْ تَرَكَوْا لَهُ مِوْثَةً
لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿۱۸۰﴾

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا أَثْمَةُ عَلَى الدِّينِ
يَبْدُلُوْنَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۸۱﴾

(۱) اهل جاهلیت شریف را در مقابله وضع نمیکشند و در مقابله شریف چند کس از وضع میکشند خدای تعالی نازل فرمود که حکم الهی باعتبار مماثلت است در اجناس کشتگان باین معنی که احرار را حکم جداست که هر حر مثل حر دیگرست در آن حکم و عبید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگرست در آن حکم و زنان را حکم جداست که هر زن مثل زن دیگرست در آن حکم و امتیاز زنان ست حکم و در باب دیات نه در باب قود یعنی قصاص پس هر فردی ازین اجناس مساوی ست با فرد دیگر هر چند بعضی شریف باشد و بعضی وضع و بعضی جمیل و بعضی ذمیم بعضی مالدار و بعضی فقیر و سنت زیاده کرده است دو جنس دیگر مسلمان در مقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر پس اگر بعض ورثه عفو کنند یا از کشتن گذشته خون بها قبول نمایند ولی دوم را باید که بحسن معامله مطالبه کند نه بدرستی و قاتل را باید که بخوشخونی ادا کند نه به بدخونی .

پس هرکه ترسید از وصیت کننده ظلمی یا گناهی پس صلاح آرد در میان ایشان پس هیچ گناه نیست بروی هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است^(۱) (۱۸۲) .

ای کسانی که ایمان آوردند لازم کرده شد بر شما روزه داشتن چنانچه لازم کرده شد بر کسانی که پیش از شما بودند تا باشد که پرهیزگاری کنید (۱۸۳) .

روزه داشتن چند روز شمرده شده پس هرکه باشد از شما بیمار یا مسافر پس لازم است شمارا آن از روزهای دیگر و لازم است بر آنانکه میتوانند روزه داشتن (یعنی ونمی دارند) فدیة^(۲) که عبارت از خوراك يك درویش است پس هرکه بجا آرد نیکی این پس بهتر است او را و آنکه روزه دارید بهتر است شمارا اگر شمامی دانید^(۳) (۱۸۴) .

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُؤْمِنٍ جَنَفًا وَاِنتَمَا قَاٰصِلَةٌ بَيْنَهُمَا
فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۸۲﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ
عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾

يَا أَيُّهَا مَعَدُوْدِي قَمِنَ كَانَ مِنْكُمْ قَرِيْبًا وَّعَلَى سَفِيْرٍ
فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخْرَى وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُوْنَهُ فِدْيَةٌ
طَعَامٌ مِّنْ لَّبَنٍ مِّن تَطْعَمٍ حَيْرٍ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَاَنْ
تَصُوْمُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿۱۸۴﴾

(۱) حکم وصیت منسوخ است بآیت مواریث .

(۲) مضمون این آیت تخیر است درصوم و فدیة این معنی منسوخ شد به آیتی که متصل می آید مترجم گوید شاید که معنی آیت چنین باشد که واجب است بر آنانکه میتوانند داد فدیة را دادن فدیة که عبارت از طعام يك درویش است مراد صدقه الفطراست و سنت آنرا مقدر کردبه يك صاع خرما یا صاع از طعام پس آیت محکم باشدنه منسوخ و شاید که معنی آیت چنین باشد واجب است بر آنانکه میتوانند قضا کردن یعنی وقضانکردند تا آنکه رمضان دیگر درآمد والله اعلم .

(۳) فدیة دادن که عبارت از طعام يك مسکین ست و آن مقدر است بيك مد و این حکم منقول است از قاسم وسعيدبن جبیر و همین است مذهب شافعی ودرین صورت نیز محکم است غیر منسوخ .

ماه رمضان آن است که فرود آورده شد دروی قرآن راه نمای برای مردمان و سخنان روشن ازهدایت وازجدکردن حق و باطل پس هرکه دریابد از شما آن ماه را پس البته روزه دارد آن را وهرکه بیمارباشد یا مسافر پس بروی لازم است شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر میخواهد خدا به شما آسانی ونمی خواهد بشما دشواری و میخواهد که تمام کنید شمار را وبه بزرگی یاد کنید خدارا به شکر آنکه راه نمود شمارا وتاباشدکه شما شاکر شوید (١٨٥) .

وچون استفسار کنندترا بندگان من ازحال من پس هر آئینه من نزدیک ام قبول می کنم دعای دعا کننده را وقتیکه دعاکندمرا پس باید که فرمانبرداری من کنند و باید که بگردند بمن تاباشد که راه یابند (١٨٦) .

حلال کرده شد برای شما درشب روزه مخالطت کردن با زنان خود ایشان بمنزله پوشش اند شمارا وشما بجای پوشش اید ایشان را دانست خدا که شماخیانت می کردید درحق خویشان پس بمهربانی باز گشت بر شما و درگذشت از شما پس آلآن مخالطت کنید بازنان و طلب کنید آنچه مقدر کرده است خدا برای شما(یعنی اولاد) و بخورید و به نوشید تاآنکه روشن شود برای شما رشته سفید ازرشته سیاه (مراد از رشته سفید

شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ
وَيَذِكُرُنَا مِنَ الْهُدَى وَالْقُرْآنِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ
الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ
مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ دَعْوَةَ
الدَّاعِي إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلِقَائِي
يَوْمَ يُرْسَدُونَ ﴿١٨٦﴾

أَحَلَّ لَكُمُ لَيْلَةَ الضِّيَامِ التَّزَوُّجَ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ
لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ
عُتَاتُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ
بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى
يَسْبَغَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ
ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ يُصَيِّرُ إِلَى الْإِمْلَاقِ وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ
عَلْفُونَ فِي الْمَسْجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا

فجراست) پس از آن تمام کنید روزه راتاشب و مساس نکنید زنان را درحالیکه شما معتکف باشید درمسجدها اینها منهیات خدا است پس نزدیک نشوید بآنها همچنین بیان می کند خداآیت های خود را برای مردمان تاپرهیزگاری کنند (١٨٧) .

و غخورید اموال خویش را درمیان خویشان بناحق و مرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی برشوت) تابخورید پاره ای از اموال مردم به گناه (به ستم) درحالیکه شما میدانید (١٨٨) .

می پرسند ترا^(١) ازماه های بگو اینها میعاداند برای مردمان و برای حج^(٢) و نیست نیکوکاری آنکه درآئید درخانه های (در حالت احرام) ازپس پشت آنها ولیکن صاحب نیکوکاری آنست که پرهیزگاری کند و درآئید درخانه ها ازراه دروازه ها و بترسید ازخدا تا باشد که شما رستگار شوید (١٨٩) .

وجنگ کنید درراه خدا بانانکه جنگ می کنندباشما وازحد مگذرید هر آئینه خدا

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لِيَتِيمِ اللَّيْلِ لَكُمْ هُدًى يَتَقُونَ ﴿٢٠﴾

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْأُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ مِنْ مَوَاقِيتِ اللَّيْلِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مِنَ الشَّعْرِ وَأَنْتُمْ الْبُيُوتَ مِنْ أَيْبَائِهَا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ

- (١) مترجم گوید ظاهر نزدیک این بنده آن است که سوال کردند از شهرحج که شوال و ذیقعده ونه روز از ذی الحجه باشد که آیا حج موقت است بآنها یا نه و یکی از تحریفات جاهلیت آن بود که درحالت احرام ازبالای دیوار جسته ویا ازسوارخ دیوارگذشته بخانه می آمدند واز راه دروازه نمی آمدند پس نازل شداین آیت .
- (٢) یعنی تامردمان احرام حج ببنده در آنها فتح الرحمن .

دوست نمی دارد از حد گذرندگان را
(۱۹۰) .

و بکشید مشرکان را هر جاکه بیابید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شمارا (یعنی از مکه) و غلبه شرک سخت تر است از قتل^(۱) و کارزار مکنید با ایشان نزدیک مسجد حرام تا آنکه کارزار کنند باشما در آن جا پس اگر بجنگند باشما پس بکشید ایشان را هم چنین است سزای کافران (۱۹۱) .

پس اگر بازماندند پس هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است (۱۹۲) .

و بجنگید با ایشان تا آنکه نابود شود شرک و شود دین محض برای خدا پس اگر باز ماندند^(۲) پس نیست دست درازی مگر برستمگاران (۱۹۳) .

ماه حرام عوض ماه حرام است و حرمت شکنیهادارای قصاص است پس هر که تعدی کند بر شما پس دست درازی کنید بروی مانند دست درازی وی بر شما و بترسید از خدا و بدانید که خدا با پرهیزگاران است^(۳) (۱۹۴) .

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۱۹۰﴾

وَأَقْتُلُواهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُفْتَلُواكُمْ فِيهِ فَإِنْ فُتِلُواكُمْ فَاغْتُلُوهُمْ كَمَا كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ ﴿۱۹۱﴾

فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۹۲﴾

وَقَاتِلُواهُمْ حَتَّى لَا يَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۱۹۳﴾

الشَّهْرُ الْحَرَامَ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ فَمَنْ شَرِهَ اِعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِمْ مِثْلَ مَا اِعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿۱۹۴﴾

(۱) یعنی در مقابله او قتل جائز است .

(۲) یعنی از شرک .

(۳) حاصل این آیات آنست که در مسجد حرام و در شهر حرام ابتداء به قتال نباید کرد و چون کافران ابتدا کنند در مقابله ایشان باید جنگ کردن که این معنی با حرمت مسجد و شهر نزاع ندارد چنانکه ابتداء از کشتن مسلمان درست نیست و اگر خون =

وخرج کنید در راه خدا و میفکنید خویشتن را بسوی هلاکت و نیکوکاری کنید هر آئینه خدا دوست می دارد نیکوکاران را (۱۹۵) .

وتمام کنید حج و عمره را برای خدا پس اگر بازداشت شوید لازم است آنچه سهل باشد از قربانی و متراشید سرهای خود را تاآنکه برسد قربانی بجائش (۱) پس هرکه باشد از شما بیمار یا اورا رنجی باشد درسراو (۲) پس لازم است عوض آن از روزه یا صدقه یا قربانی پس چون ایمن شدید پس هرکه بهره ورشده اداء عمره (۳) سپس به اداء حج (یعنی تمتع کرد یا قران) پس لازم است آنچه سهل باشد از قربانی پس هرکه نیابد پس لازم است روزه داشتن سه روز در وقت حج و هفت روز وقتیکه بازگردید از سفراین يك ده تمام ست این حکم آن راست که نه باشد خانواده وی باشندۀ مسجد حرام و بترسید از خدا وبدانید که خدا سخت عقوبت ست (۴) (۱۹۶) .

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّمَكُّنِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۹۵﴾

وَأَتُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تُلْقُوا زُرُوعَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِمْ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَإِذَا فَعَلْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حُلُوفُ السَّجْدِ الْحَرَامِ وَالْقَوْلُ لِلَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۱۹۶﴾

= ناحق ریخته باشد به قصاص میتوان کشت و فقهاء بآن سبب تصریح نکرده اند که اقامت حربیان به مکه بعد فتح مکه بودنی نیست والله اعلم .

(۱) یعنی در حج رمی جمره العقبه کنند بمنی و در عمره از سعی بین الصفا والمروه فارغ شوندبه مکه والله اعلم .

(۲) یعنی شپش بسیار داشته باشد و باین سبب حلق کند پیش ازحلال شدن والله اعلم .

(۳) یعنی بامورممنوعه احرام بهره ورشد .

(۴) درین آیت چندحکم مذکور شده است و جواب اتمام حج و عمره بعداز شروع =

حج موقت است بماء های دانسته شده^(۱) پس هر که لازم کرد برخود درین ماه هاجج را (یعنی احرام بست) پس مخالطت زنان جائز نیست و نه بدکاری و نه باهم مشاجره کردن در حج و هرچه می کنید از نیکی میداند او را خدا و توشه همراه گیرید هر آئینه بهترین فوائده توشه پرهیزگاری است (یعنی از سوال و دزدی) و از من بترسید ای خداوندان خرد (۱۹۷).

نیست شمارا گناهی در آنکه طلب کنید در موسم حج روزی از پروردگار خویش پس آنگاه که باز گردید از عرفات پس یاد کنید خدارا نزدیک مشعر حرام (یعنی بمزدلفه) و یاد کنید خدارا به شکر آنکه راه نموده است شمارا و هر آئینه بودید پیش ازین از گمراهان (۱۹۸).

پس باز گردید از آنجا که باز میگردند عامه مردمان^(۲) و آمرزش طلب کنید از خدا هر آئینه خدا آمرزنده مهربانست (۱۹۹).

پس چون ادا کردید ارکان حج خویش را پس یاد کنید خدا را (یعنی در منی) مانند یاد کردن شما پدرانِ خویش را بلکه

أَلْحَجَّ أَنَّهُمْ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ قَرَضَ مِنْهُنَّ الْحَجَّ فَلَا رَكَّ
وَلَا سَوْقَ وَلَا حِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ حَيْثُ يَعْلَمُهُ
اللَّهُ وَسَوَدًّا فَإِنَّ عَذَابَ الرَّادِّ النَّعْوَى
وَأَنْعَمُونَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢٥﴾

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَتَّعُوا أَفْضَلًا مِنْ رَبِّكُمْ
فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِندَ
الشَّعْرَاءِ الْحَرَامِ وَأَذْكُرُوا كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ
كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَيِّنَ الْمُتَالِفِينَ ﴿٢٥﴾

ثُمَّ أَيْضًا مِنْ حَيْثُ أَقَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا
اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٥﴾

فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ تَابِكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ
كَمَا كَرَّمَهُ آبَاءُكُمْ وَأَنْتُمْ ذِكْرًا مِنَ النَّاسِ

= وحکم احصار و کفارت ارتکاب امور ممنوعه احرام به عذر مرض و ماهیت تمتع و وجوب قربانی بر تمتع و الله اعلم .

(۱) یعنی شوال و ذیقعد و عشره ذالحجه .

(۲) مترجم گوید یعنی از عرفات نه از مزدلفه چنانکه قریش تحریف کرده بودند و الله اعلم .

زیاده تر یاد کردن پس از مردمان کسی هست که می گوید ای پروردگارا بده مارا دردنیا و نیست اورا در آخرت هیچ نصیبی (۲۰۰) .

و از مردمان کسی هست که می گوید ای پروردگارا بده مارا دردنیا نعمت و در آخرت نعمت و محفوظ دار مارا از عذاب دوزخ (۲۰۱) .

این گروه ایشان راست بهره از ثواب آنچه بعمل آوردند (یعنی از ثواب آخرت) و خدا زود کننده حساب است (۲۰۲) .

و یاد کنید خدارا در چند روز شمرده شده (یعنی ایام منی) پس کسی که شتاب کوچ کند در دو روز (یعنی از منی) پس گناه نیست بروی و آنکه دیرماند پس گناه نیست بروی مر آنرا که پرهیزکاری کند و برترسید از خدا و بدانید که شما بسوی وی جمع آورده خواهید شد^(۱) (۲۰۳) .

و از مردمان کسی هست که بشکفت می آرد ترا سخن او در باب زندگانی دنیا و گواه می آرد خدا را بر آنچه در دل و بست حال آنکه او سخت ترین ستیزندگان است (۲۰۴) .

و چون ریاست پیدا کند بشتابد در زمین تاتباهی کند در آن و نابود سازد زراعت

مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي
الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ۝

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي
فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً ۝ وَفِي عَذَابِ النَّارِ ۝

أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا ۚ وَاللَّهُ سَرِيعُ
الْحِسَابِ ۝

وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ ۚ فَمَنْ تَعَجَّلَ
فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا
إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ لِمَنِ الشُّعْبُ وَالْقَوْلُ لِلَّهِ ۚ وَعَلِمُوا
أَكْثَرَ إِلَيْهِ يُخْتَصَرُونَ ۝

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُ قَوْلَهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ
اللَّهُ عَلَى مَآئِنِ قَلْبِهِ ۚ وَهُوَ أَلَدُّ الْجِنِّ ۝

وَأَذْأَقُوهُ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ يُفْسِدُ فِيهَا وَيُهْلِكُ
الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۚ وَاللَّهُ لَأَكْبَرُ فِي الْقِسَآءِ ۝

(۱) مترجم گوید بعد ازین خدای تعالی تصویر می فرماید حال کافران و مومنان را والله اعلم .

ومواشی را و خدا دوست ندارد تباه کاری
را (۲۰۵) .

و چون گفته شود او را بترس از خدا حمل
کنندش تکبر برگناه پس کفایت کننده وی
دوزخ است و هر آئینه وی بدجائیس است
(۲۰۶) .

و از مردمان کسی هست که میفرودشد
خویش را برای طلب رضامندی خدا و
خدا مهربان است بر بندگان (۲۰۷) .

ای کسانی که ایمان آوردید در آئید باسلام
همه يك جا و پیروی مکنید گامهای شیطان
را هر آئینه او شمارا دشمن آشکارا هست
(۲۰۸) .

پس اگر لغزیدید بعد از آنکه آمد به شما
سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب
دانا است (۲۰۹) .

انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آن راکه
بیاید بایشان خدا در سایبان ها از ابر
و بیایند فرشتگان و بانجام رسانیده
شود کار و بسوی خدا بازگردانیده میشوند
کارها (۲۱۰) .

پرس از بنی اسرائیل چه قدر دادیم
ایشان را از نشانه های روشن و هر که بدل
کند نعمت خدا را پس از آنکه بیاید بوی
یعنی کفر پیش گیرد تا نعمت مفقود گردد
پس هر آئینه خدا سخت عقوبت ست
(۲۱۱) .

آراسته کرده شده است کافران را
زندگانی این جهان و سخریه می کنند

وَإِذْ قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ
فَحَسِبْهُ جَهَنَّمَ وَلَيْسَ الْيَهُودُ ۝

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّبِعُ نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ
اللَّهِ وَاللَّهُ سَمُوعٌ بَالِغٌ ۝

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ
كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ
لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝

فَإِن زَلَلْتُمْ مِّن بَعْدِ مَا جَاءتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ
فَاعْتَبُوا أَنَّهُ اللَّهُ يُعَذِّبُ حَكِيمٌ ۝

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلْمٍ مِّنَ
الْعَمَامِرِ وَالْمَكِيدَاتِ فَوَيْحٌ لِّلْكَافِرِينَ
وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝

سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كُفْرَ اتِّبَاعِهِمْ مِّنْ آيَاتِ بَيِّنَاتِهِ
وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءتْهُ
فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝

رُبَّمَا يَلْبَسُونَ لَكُفْرِهِمُ الْحَيِيَّةَ الدُّمِيَّةَ وَيَسْحَرُونَ مِنَ الَّذِينَ

أَمْتُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَمَهْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ
مَنْ يَشَاءُ بِعَدْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾

باهل ایمان وکسانیکه تقوی دارند بالا
تراز ایشان باشند روز قیامت و خدا روزی
میدهد هرکرامی خواهد بی شمار (یعنی
بسیار) (٢١٢) .

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ
مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا
اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ نُبُؤًا لِيُنْهَى عَنْهُمْ فَعْدَى اللَّهِ
الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِآيَاتِهِ
وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾

بودند مردمان يك گروه^(١) پس فرستاد
خدای تعالی پیغامبران را بشارت دهنده
و بیم کننده و فرود آورد بایشان کتاب به
راستی تا حکم کند آن کتاب میان مردمان
در آنچه اختلاف کردند در آن^(٢) و اختلاف
نه کردند در آن مگر کسانیکه داده شده
بایشان کتاب (یعنی امت دعوت) بعد
از آنکه آمد بایشان نشانه ها از جهت حسد
در میان خویش پس راه نمود خدا مومنان
را بآن حق که اختلاف کردند دروی
باراده خود و خدا راه می نماید کسی را
که خواهد بسوی راه راست^(٣) (٢١٣) .

أَمْحَسِبُمْ أَنْ تَخْلُقُوا الْجِبَالَ وَ لَمْ يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ
خَلَقُوا مِنْ قَبْلِكُمْ مَتَّعَهُمُ الْبُحْرَاءُ وَالصَّوَاءُ
وَرَزَقْنَاهُمْ حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
مَعَهُ مَتَى تَصْرَأُ اللَّهُ الْآرَاقُ تَصْرَأُ اللَّهُ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾

آیا پنداشتید ای مردمان که درآئید به
بهشت حال آنکه هنوز پیش نیامده است
شمارا حالت آنانکه گذشتند پیش از شما
رسید بایشان سختی و محنت و جنبانیده
شدند تا آنکه می گفت پیغامبر وکسانیکه
ایمان آوردند باوی کی باشد یاری دادن
خدا آگاه شوید که هرآئینه یاری دادن

- (١) یعنی پیش از آمدن هر پیغامبر متفق بودند بایک دیگر در دین او اختلاف نداشتند .
- (٢) یعنی در اصول مختلف می شوند .
- (٣) حاصل آنست که سُنَّة الله جاری شده بآنکه بعد بعثت هر پیغامبر در امت دعوت اختلاف واقع می شود از آن تنگدل نباید شد و الله اعلم .

خدا نزدیک است (۲۱۴) .

سوال می کنندترا که چه چیز را خرج کنند بگو آنچه خرج کردید از مال پس مادر و پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و درویشان و مسافران را و آنچه کنید از نیکی پس هر آئینه خدا بوی دانا است (۲۱۵) .

لازم کرده شد بر شما جنگ و آن دشوار است شمارا و شاید که شما ناخوش دارید چیزی را حال آنکه وی بهتر باشد شمارا و شاید که دوست دارید چیزی را حال آنکه وی بد باشد شمارا و خدا میداند و شما نمی دانید (۲۱۶) .

سوال می کنند ترا از ماه حرام از جنگ کردن در آن^(۱) بگو جنگ کردن دروی سخت کاری است و باز داشتن از راه خدا و ناگرویدن بخدا و باز داشتن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل این مسجد از وی سخت تر است نزدیک خدا و فتنه انگیزختن^(۲) سخت تر است از کشتن^(۳) و همیشه باشند که جنگ می

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُقِيمُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ
قَبْلُوا لِلدِّينِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالسَّبِيكِينَ وَالرِّبَّ
السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿۲۱۵﴾

كَيْبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكُونُوا شِغَابًا
وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ يُجِزِبُوا شِغَابًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ
يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۱۶﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ
كَيْدٌ وَوَعْدٌ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَفَرِيضَةٍ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَالْحَرَامِ أَهْلِهِ مِنْهُ الْبُرْعَانُ وَالْوَيْتَةُ الْكُبْرَى
الْقَتْلُ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتُونَكُمْ حَتَّى يَزُودُوا عَنْ
دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَزُودْ فَعَنْ دِينِهِ
فَعَسَى أَنْ يَكُونَ كَافِرًا وَلَهُ كَيْدٌ أَعْمَالُهُمْ فِي

(۱) یعنی رجب، ذی القعدة و ذی الحجه و محرم که در شریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه ها حرام بود پس سوال کردند که در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یانه ؟ الله اعلم .

(۲) یعنی ترویج شرک .

(۳) حاصل جواب آنست که قتال کفار جائز است و تحریم قتال مسلمان مغلظه میشود و الله اعلم .

کنند باشما تا آنکه بازگردانند شمارا از دین شما (یعنی از اسلام) اگر توانند و هر که برگردد از شما از دین خود پس کافر بمیرد آن گروه نابود شد کارهای ایشان دردناک و آخرت وایشانند باشندگان دوزخ ایشان در آنجا جاویدند (۲۱۷) .

هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و آنانکه هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا آن گروه امیدوارند بخشایش خدا را و خدا آمرزندهٔ مهربان ست (۲۱۸) .

سوال می کنند ترا از شراب و قمار بگو درین هردو گناه بزرگ است و نفع هاست مردمان را (یعنی دردناک) و گناه این هر دو بزرگ تر است از نفع آنها^(۱) و سوال می کنند ترا چه چیز خرج بکنند بگو خرج کنید زیاده را^(۲) هم چنین بیان می کند خدا برای شما آیت ها را تا باشد که تأمل کنید (۲۱۹) .

در مصلحت دنیا و آخرت و سوال می کنند ترا از یتیمان بگو بصلاح آوردن کار ایشان بهتر است^(۳) و اگر مشارکت کنید بایشان پس ایشان برادران شمایند و خدا میدانند تباہ کار را از صلاح کار و اگر خدا می خواست سخت می گرفت شمارا هر آئینه

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۱۷﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۱۸﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْمِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا لَكَبِيرٌ مِّنْ نَّفْعِهِمَا . وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۲۱۹﴾

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ عَمَلْتُمْ بِهِمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَكُنْتُمْ إِذَ لَمَّا يَنْزِعُ عَنِ الَّذِينَ حَكِيمٌ ﴿۲۲۰﴾

- (۱) یعنی حرام اندو به منافع التفات نه باید کرد و الله اعلم .
- (۲) یعنی از حاجت ضروری .
- (۳) یعنی بغیر شرکت .

خدا غالب استوار کاراست (٢٢٠).

وبزنی مگیرید زنان مشرک را تاآنکه ایمان آرند و هر آئینه کنیز مسلمان بهتر است از زن مشرک اگر چه بشگفت آورده باشد شمارا و بزنی مدهید به مشرکان تاآنکه ایمان آرند (یعنی زنان مومنه را) و هر آئینه غلام مسلمان بهتر است از مشرک اگر چه به شگفت آورده باشد شمارا^(١) گروه مشرکان می خوانند به سوی دوزخ و خدا می خواند بسوی بهشت و بسوی آمرزش بقدرت خود و بیان می کند آیتهای خود را برای مردمان تاباشد که بپذیرد شوند (٢٢١)

و سوال می کنند ترا از حیض بگو که وی نجاست است پس یکسو شوید از زنان در حال حیض و نزدیکی نکنید بایشان تاآنکه پاک شوند پس چون نیک پاک شدند^(٢) پس نزدیکی کنید باایشان از آن راه که مباح کرده است شمار خدا (یعنی در قُبُل) هر آئینه خدا دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاک شوندگان را (٢٢٢).

زنان شما کشت زار شمایند پس بیائید به کشت زار خویش هر روش که خواهید^(٣)

وَلَا تَتَّبِعُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا بِالْكَوْمِ الْمُؤْمِنَةِ خَيْرٌ مِنْ
مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا
وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ
يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ
بِأَذْنِهِ وَيَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأْتِرُوا النِّسَاءَ فِي
الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ
مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ
الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾

يَسْأَلُكُمْ حَرْثَ الْكَلْبِ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنْ تَشْتُمُوهُ وَقَدْ مَوَّأ
لِلْأَنْفُسِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَلْسِنَكُمْ مَقْشُورَةً وَبَيِّنُ

(١) یعنی هر بنده از بندگان خدا که مومن باشد و هر کنیز از کنیز های خدا که مومنه باشد بهتر است از مشرک و مشرکه . والله اعلم .

(٢) یعنی غسل بجا آرند .

(٣) یعنی بهرگونه که بخواهید می توانید جماع کردن (نزدیکی با همسران خود) یعنی =

الْمُؤْمِنِينَ ﴿۳۷﴾

وپیش فرستید یعنی اعمال صالحه را برای خویشتن و بترسید از خدا و بدانید که شما باوی ملاقات خواهیدکرد و بشارت ده مسلمانان را (۲۲۳) .

و ممکنید نام خدا را آماج برای سوگندان خویش برای اینکه نیکوکاری کنید و پرهیزگاری نمائید و صلاح آرید در میان مردمان و خدا شنوای داناست^(۱) (۲۲۴) .

موآخذه نمی کند شمارا خدا به بیهوده گوئی درسوگند های شما^(۲) ولیکن موآخذه می کند شمارا بآنچه که قصد کرده است دل های شما و خدا آمرزنده بردباراست (۲۲۵) .

مرا آنکسان راکه ایلامی کنند از زنان خویش^(۳) انتظار کردن چهار ماه است پس اگر باز گشتند یعنی ازین سوگند پس هر آئینه خدا آمرزنده مهربانست (۲۲۶) .

واگر قصد کردند جدائی را پس هر آئینه خدا شنوای داناست (۲۲۷) .

وآن زنان که طلاق داده شد ایشان را انتظار سه حیض یاسه طهر کنانند خویشتن را و جائز نیست ایشان را اینکه

وَلَا جَعَلُوا اللَّهَ غُرُضًا لِّأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا
وَتَصِلُوا إِلَى الْبَنَاتِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۷﴾

لَّا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِالْعَفْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ
بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۳۸﴾

لَّذِينَ يَنُؤُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصًا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَإِنْ
قَامُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳۹﴾

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۴۰﴾

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ

= غلطانده و ازپس پشت و غیرآن به شرط آنکه در قُبُل باشد
(یعنی در مکان معروف) .

(۱) یعنی سوگند برای موقوف کردن کارنیک جائز نیست .

(۲) یعنی لاوالله و یلی والله بغیر قصد گوید غلط دانسته سوگند خورد علی اختلاف المذهبین والله اعلم .

(۳) یعنی قسم می خورند که جماع نکنند .

پنهان کنند آنچه خدا آفریده است در رحمهای ایشان (یعنی ولد و حیض) اگر ایمان آورده اند بخدا و روز بازپسین و شوهران ایشان سزاوار تراند به بازآوردن ایشان در حباله خود درین مدت اگر خواهند نیکوکاری و زنان را هست مانند آنچه بر زنان است بوجه پسندیده^(۱) و مردان راهست برایشان بلندی یعنی فرمانروائی و خدا غالب استوار کا راست (۲۲۸) .

طلاق (رجعی) دوبار است پس از آن یانگاه داشتن ست بخوش خوئی یارها کردن به نکوئی و حلال نیست شمارا که بگیرید چیزی را از آنچه داده اید زنان را^(۲) مگر آنگاه که بترسند مرد و زن که برپا نتوانند داشت احکام خدا را^(۳) پس اگر بترسید ای مسلمانان از آنکه برپاندارند این هر دو احکام خدا را پس گناه نیست برایشان در آنچه عوض خود داد زن، این حدها مقرر کرده خداست پس بیرون مروید از آنها و هر که بیرون رود از حدود خدا پس آن گروه ایشانند ستمگاران (۲۲۹) .

پس اگر طلاق داد (یعنی بار سوم) پس هرگز حلال نمی شود این زن آن مرد را تا آنکه درآید به نکاح شوهر دیگر (یعنی

لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيُعْلِمْنَ أَهْلَهُنَّ بِرِزْقِهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۸﴾

الطَّلَاقُ مَرَّتَيْنِ، فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيَةٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِدُ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يُخَافَا الْإِيقِيمَ أَحَدُ وَدَّ اللَّهُ أَنْ خَفْتُمُ الْإِيقِيمَ أَحَدُ وَدَّ اللَّهُ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا امْتَدَّتْ بِهِ بَيْنَكُمُ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوا هَٰذَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۲۹﴾

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا آخَرَ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ

(۱) یعنی زنان را بر مردان حق است چنانچه مردان را بر زنان حق است .

(۲) یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرد .

(۳) یعنی در معاشرت .

يَتَرَاجَعَانِ طَلْقًا أَنْ يُقِيمَا حَدُودَ اللَّهِ وَيَتَذَكَّرَا
حُدُودَ اللَّهِ بِمَا فِيهَا الْيَوْمَ يُعْلَمُونَ ﴿۲۳۰﴾

اودخول کند) پس اگر طلاق دادش این شوهر دیگر پس گناه نیست برآن هر دو در آنکه بازگردند بنکاح باهم اگر بدانند که برپایمی توانند داشت احکام خدا را و این حدود خداست بیان میکند آن حدود را برای قومی که میدانند (۲۳۰) .

چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند به میعاد خود^(۱) پس نگاه دارید ایشان را به نکوئی یارها کنید ایشان را به نکوئی و نگاه مدارید ایشان را برای ضرر رسانیدن تا ستم کنید و هر که این کند پس هر آئینه ستم کرد بر خود و مگیرید آیت های خدا را تمسخر و یاد کنید نعمت خدا را برخویش و آنچه فرود آورد بر شما از کتاب و علم که پند میدهد شما را بآن و بترسید از خدا و بدانید که خدا بهر چیز داناست (۲۳۱) .

و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند به میعاد خود^(۲) پس منع نکنید ایشان را از آنکه نکاح کنند با شوهران خویش^(۳) و قتیکه بایک دیگر راضی شدند در میان خویش به روش پسندیده این حکم پند داده میشود بآن هر کسی را که مومن باشد از شما بخدا و روز قیامت و این

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَهَلْ كُنَّ أَجَلَهُنَّ
فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
وَلَا تُبْسِكُوهُنَّ فَضْرًا إِنْ اتَّعَتُوا وَهُنَّ يَفْعَلْنَ
ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمْنَ نَفْسَهُنَّ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ
هُزُؤًا وَآذِكُمْ بِاللَّعْنَةِ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ
عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا
اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۲۳۱﴾

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَهَلْ كُنَّ قَلًّا
تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاجَعُوا
بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ
كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
ذَلِكَ أَنْزَلَ لَكُمْ وَظَهَرَ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۳۱﴾

(۱) یعنی نزدیک رسیدند بانقضاعدت .

(۲) یعنی عدت منقضی شد .

(۳) یعنی با شوهران سابق خود یا شوهران دیگر که بایشان رغبت پیدا کردند .

کارخوشراست و پاکیزه تر و خدا می داند
و شمانمی دانید (٢٣٢) .

و مادران باید که شیر دهند فرزندان
خویش را دو سال تمام این حکم آن راست
که خواهد تمام کردن مدت شیر را و بر
پدر نفقه و پوشاک این زنان شیرده است
بوجه پسندیده تکلیف داده نمی شود
بر هیچ کس الا قدر توانائی او رنج نباید داد
مادر را بسبب فرزند وی و نه پدر را
بسبب فرزند وی و لازم است بروصی
مانند این پس اگر بخواهند مادر و پدر
از شیر بازگرفتن (یعنی پیش از دو سال)
بعد رضامندی میان یکدیگر و مشورت
کردن بایکدیگر پس هیچ گناه نیست
بر ایشان و اگر خواهید که دایه گیرید برای
فرزندان خویش پس هیچ گناه نیست
بر شما چون تمام تسلیم نمودید آنچه
دادنش را مقرر کردید بخوش خوئی
و بترسید از خدا و بدانید که خدا به آنچه
می کنید بیناست (٢٣٣) .

و کسانی که بمیرند از شما و بگذارند زنان
را باید که انتظارکنند این زنان خویشان
را چهار ماه و ده روز پس چون رسیدند
به میعاد^(۱) خویش پس گناه نیست بر شما
در آنچه کردند در حق خویشان بوجه
پسندیده یعنی نکاح بطور شرع و خدا

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ
يُتِمَّ الرِّضَاعَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِوَسُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
لَا يَكْفِي نَفْسًا وَلَا وُسْعًا لَرِضَاعِ وَالِدٍ لَا يُولَدُ لَهَا وَلَا يُولَدُ
لَهُ يُولَدُ لَهَا وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ
تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فَلَئِنْ أَذْنَبْتَ
تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذْ أَسَأْتُمْ ثَأْنِيَهُمْ
بِالْمَعْرُوفِ وَالْقَوْلُ اللَّهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مِنْكُمْ رِبَاً يُرَوِّقُونَ أَرْوَاهِمْ كَبْحَةً فِي أَنْفُسِهِمْ
أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٣٤﴾

(۱) یعنی به انقضاء عدت .

بآنچه می کنید آگاه ست (٢٣٤) .

نیست گناه بر شما درسخنی که کنایت کردید بوی ازخواستگاری زنان یعنی در میان عدت یا پنهان داشتید دردلهای خود دانست خداکه شما یاد خواهید کرداین زنان را یعنی آشکارا بعد از عدت ولیکن وعده ندهید بایشان نکاح را به پنهانی مگر آنکه گوئید سخنی پسندیده را یعنی بکنایت و قصد مکنید عقد نکاح را تاآنکه رسد میعاد مقرر به نهایت خود وبدانید که خدامی داند آنچه دردلهای شماست پس بترسید ازوی وبدانید که خدا آمرزنده بُردباراست (٢٣٥) .

هیچ گناه نیست بر شما اگر طلاق دادید زنان را درآن وقت که هنوز دست نرسانیده ایدبایشان یا معین نکرده اید برای ایشان مقداری^(١) و بهره دهید این چنین مطلقات را^(٢) لازم است برتوانگر مقدار حال او بهره دادن و بر تنگدست مقدار حال او بهره دادن بخوشخونی لازم شده بر نیکوکاران (٢٣٦) .

و اگر طلاق داده اید زنان را پیش ازآنکه دست رسانید بایشان ومعین کرده باشید برای ایشان مقداری پس لازم است نیمه آنچه معین کردید مگر آنکه ببخشندزنان

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَتْنْتُمْ فِي انْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهِ أَنَّكُمْ سَأَلْتُمُوهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا أَوْ لَمْ نَعْرِضْهُ فَإِنَّ عَهْدَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْتَلِيَ الْكُفَىٰ أَجَلَهُ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَظِيمٌ ذُو الْحَيْلِ ۝

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفَرَّقُوا لَهُنَّ فَرِيضَةٌ وَمِمَّا عَرَضْتُمْ عَلَيْهُنَّ عَلَى التُّبَعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْبُقْعَةِ قَدْرُهُ مِمَّا عَلَيَا الْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ۝

وَلَا تَنْتَقِبُوا لَهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسَلَّوهُنَّ وَقَدْ قَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَيُضَفَّ مَا قَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بَيْنَهُمْ عَهْدٌ النَّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ

(١) یعنی مهر را .

(٢) یعنی پوشاک بدهید .

یادگذرد کسیکه بدست اوست عقد نکاح یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد و آنکه درگذرید نزدیک تراست به پرهیزگاری و فراموش نکنید احسان کردن را در میان خویش هر آئینه خدا بآنچه می کنید بیناست (۲۳۷) .

پایندی کنید بر همه نمازها و برنامه میانه (یعنی خصوصاً برنامه عصر) بایستید برای خدا فرمان بردارند گان (۲۳۸) .

پس اگر ترسیدید یعنی از دشمن و مانند آن پس روان برپاهای خود نماز گذاریدیا سواره پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدارا چنانکه آموخته است شمارا آنچه نمی دانستید (۲۳۹) .

وآنکه قبض روح ایشان کرده شود از شما و بگذارند زنان را لازم کرده شد برایشان وصیت کردن برای زنان خویش بآنکه بهره دهند ایشان را تایکسال بدون بیرون کردن پس اگر بیرون روند پس گناه نیست بر شما در آنچه کردند در حق خویشان ازکار پسندیده یعنی نکاح بطور شرع و خدا غالب استوار کاراست^(۱) (۲۴۰) .

طلاق داده شدگانرا لازم است بهره مند ساختن بخوشخوئی یعنی نفقه و سکنی لازم کرده شد بر پرهیزگاران (۲۴۱) .

لَا تَسْأَلُوا الْقَضْلَ بِئَيْتِكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۲۳۷﴾

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿۲۳۸﴾

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَمْشُوا مَعَ اللَّهِ إِنَّكُمْ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ كَاتِبُونَ ﴿۲۳۹﴾

وَالَّذِينَ يُتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَوَعِيَّةً لِلْأَزْوَاجِ مِمَّا عَمِلُوا إِلَى الْكُفْلِ غَيْرَ الْكُفْلِ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۴۰﴾

وَالَّذِينَ طَلَّقُوا مِنْكُمْ بِمَا عَمِلُوا فَمَا عَلَيْهِمُ الْمُتَّقِينَ ﴿۲۴۱﴾

(۱) مترجم گوید این آیت نزدیک جمهور منسوخ است بآیت «أربعة أشهر وعشرا» والله اعلم .

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٠﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ
فَقَالَ لَهُمْ اللَّهُ مُوتُوا فَأَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى
النَّاسِ وَلَئِن كُنْتُمْ لَأَنبِيَائِمْ كَذِبُونَ ﴿٢١﴾

وَقَالُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢﴾

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرُضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضِعُّهُ لَهُ لَآ ضَعَاكَا
كَيْفَرًا وَاللَّهُ بَقِيعٌ وَيَحْضُطُّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٣﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلِئِينَ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ مِن بَعْدِ مُوسَى إِذْ
قَالُوا لِلَّهِ إِنَّمَا جَعَلْنَا مَلَائِكَةً نَّعْبُدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ
هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا
وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن
دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا قَالَتْ كَيْفَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا
مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤﴾

همچین بیان میکند خدا برای شما احکام خود را تا باشد که شما بفهمید (۲۴۲).

آیا نه دیدی ای بیننده بسوی کسا نیکه بیرون آمدند از خانه های خویش و ایشان هزاران بودند از بیم مرگ پس گفت ایشان را خدا بمیرید باز زنده گردانید ایشان را هر آینه خدا صاحب بخشایش است بر مردمان و لیکن اکثر ایشان سپاس نمی کنند (۲۴۳).

و جنگ کنید در راه خدا و بدانید که خدا شنوای داناست (۲۴۴).

کیست آنکه وام دهد خدا را وام دادن نیک پس چند برابر سازد خدا آن مال را برای او و مراتب بسیار و خدا تنگ می سازد و کشاده می کند روزی را و بسوی او باز گردانیده شوید (۲۴۵).

آیا نگاه نکردی بجمعی از بنی اسرائیل بعد از موسی چون گفتند مر پیغامبر خویش را که بر انگیز برای ما بادشاهی تا جنگ کنیم در راه خدا گفت پیغامبر آیا نزدیک هستید اگر واجب کرده شود بر شما جنگ این که جنگ نکنید گفتند و چه شده است مارا که جنگ نه کنیم در راه خدا و بتحقیق بیرون کرده شدیم از خانه های خویش پس جدا کرده شدیم از فرزندان خویش پس آنگاه که واجب کرده شد بر ایشان جنگ رو گردانیدند مگر اندکی از ایشان و خدا داناست به ستمگاران (۲۴۶).

وگفت مرایشان را پیغامبرایشان هر آئینه خدا پادشاه مقرر کرده است برای شما طالوت را گفتند چگونه باشد او را پادشاهی بر ما و ماسزوار تریم به پادشاهی از وی و داده نشده است وی رافراخی درمال گفت هر آئینه خدا برگزیده است او را بر شما و داده است او را فراخی در دانش و افزونی در بدن و خدا میبخشد پادشاهی خود را بهر که خواهد و خدا جواددانا است (۲۴۷).

وگفت ایشان را پیغامبرایشان هر آئینه نشان پادشاهی او آنست که بیاید به شما صدوقی که در آن آرام دلست از پروردگار شما و باقیمانده از آنچه که گذاشتند آل موسی و آل هارون بر میدارند او را فرشتگان هر آئینه درین صورت نشانه است شمارا اگر باوردارنده اید (۲۴۸).

پس چون جدا شد (یعنی از وطن) طالوت بالشکرها گفت هر آئینه خدا آزمائش کننده است شمارا بجوئی پس هر که بنوشد از آن جوی پس نیست از آل من و هر که نجشد آنرا پس اواز آل من است الا آنکه بردارد یک کف آب بدست خود پس آشامیدند از آن جوی مگر آندی که از ایشان پس آنگاه که گذشتند از جوی طالوت و مومنان همراه او گفتند نوشندگان نیست توانائی ما را امروز بمقابله جالوت و لشکرهای او گفتند آنانکه می

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا
قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ
مِنْهُ وَلَمْ يَأْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ
عَلَيْكُمْ وَزَادَ لَهَا بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي
مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ
سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ
فَحَمَلُهُ الْمُلْكُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ مُمْتَلِنٍ ﴿٢٤٨﴾

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ
فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا
مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَفَرَّقَهُمْ وَأَمَّنَهُ الْقَلِيلَ الَّذِينَ ظَنَنَّهُمْ
فَلَمَّا حَمَلُوا زُرًّا هُوَ الَّذِينَ آمَنُوا سَعَةً فَأَخَذَ لَنَا الْيَوْمَ مَرَجًا لَّوْتُ
وَجُنُودُهُ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْكُوا اللَّهَ كَرِهُوا مَرَجًا وَفَوَّكَ لَهُمُ

که ایشان ملاقات خواهند کرد با خدا بسا گروه اندک غالب شد بر گروه بسیار باراده خدا و خدا با شکیبایانست (۲۴۹) .

و آنگاه به میدان آمدند برای جنگ جالوت و لشکر های وی این صالحان گفتند ای پروردگار ما بریز بر ما شکیبائی و محکم کن قدم های ما را و غلبه ده ما را بر گروه ناگرویدگان (۲۵۰) .

پس شکست دادند آن کفار را بتوفیق خدا و کشت داود جالوت را و داد خدای تعالی داود را پادشاهی و علم و بیاموخت او را از آنچه میخواست و اگر نمی بود دور کردن خدا مردمان را گروهی را بدست گروهی هر آینه تباہ می شد زمین ولیکن خدا صاحب بخشاش است بر عالم ها (۲۵۱) .

این ها آیات خداست میخوانیم آنرا بر تو (ای محمد) برستی و هر آینه تواز پیغامبرانی (۲۵۲) .

این پیغامبران فضل دادیم بعضی را از ایشان بر بعضی، از ایشان کسی هست که با او سخن گفت خدا و بلند کرد بعضی را در مرتبه ها و دادیم عیسی پسر مریم را معجزه ها و قوت دادیم او را بروح القدس و اگر می خواست خدا بایکدیگر قتال نمی کردند آنانکه یس از ایشان بودند پس از آنکه آمد بایشان حجت ها ولیکن اختلاف کردند پس از ایشان کسی هست که ایمان آورد و از ایشان کسی هست که

عَلَيْتُمْ وَفَتَنَّا كَثِيرًا قَبْلَ دَاوُدَ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۲۴﴾

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا آفِرِعْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۲۵﴾

فَعَزَّوهُم بِبِزْوَانِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَانصَبَهُ اللَّهُ الْمَلِكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَادَ فَعَرَّ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۲۶﴾

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۲۷﴾

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبِكْرَةَ وَآتَيْنَاهُ بُرُوجَ الْقُدْسِ وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلِهِ إِنَّنِي اصْطَفَاكِ وَلَكِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿۲۸﴾

وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿۲۹﴾

کافر شده و اگر می‌خواست خدا بایکدیگر نمی‌جنگیدند و لیکن خدا میکند آنچه می‌خواهد (۲۵۳) .

ای مسلمانان خرج کنید از آنچه روزی دادیم شمارا پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست در آن روز و نه دوستی و نه سفارش و کافران ایشانند ظالمان (۲۵۴) .

خدا آنست که هیچ معبود برحق نیست بجزوی زنده تدبیر کننده عالم نمی‌گیرد او را (پینکی) یعنی خواب سبک و نه خواب او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است کیست آنکه شفاعت کند نزد او الا بحکم او میداند آنچه پیش دست ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و فرانمیگیرند مردمان از معلومات حق چیزی را مگر آنچه وی خواسته است فرا گرفته است کرسی او آسمان ها و زمین را و گران نمی‌شود بروی نگهبانی این هردو او بلند مرتبه بزرگ قدر است (۲۵۵) .

نیست جبرکردن برای دین (۱) هر آئینه ظاهر شده است راه یابی از گمراهی پس هرکه منکر طاغوت شود (یعنی معبودان باطل) و ایمان آرد بخدا پس هر آئینه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَوَلَّوْا مِنْ قَبْلُ أَنْ يَأْتِيَنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيهِ وَلَا شَفَاعَةَ إِلَّا الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٣﴾

اللَّهُ لِلَّهِ الْأَلوهُ الْحَمْدُ الْقَيُّومَةُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٤﴾

لَا إِلَهَ إِلَّا فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمَرْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٥﴾

(۱) یعنی حجت اسلام ظاهر شد پس گویا جبر کردن نیست اگر چه فی الجمله به صبر باشد والله اعلم .

چنگ زده است بدست آویزی محکم که نیست گسستن آنرا و خدا شنوای دانا است (۲۵۶).

خداکار ساز مومنان است بیرون می آرد ایشانرا از تاریکی ها بسوی روشنی و آنانکه کافراند کارسازان ایشان طاغوت است (یعنی معبودان باطل) بیرون می آرند ایشان را از روشنی بسوی تاریکی ها این جماعت باشندگان دوزخندایشان در آنجا جاویدند (۲۵۷).

آیاندیدی بسوی کسی که مکابره کرد با ابراهیم درباره پروردگار او بخاطر آنکه داد او را خدا پادشاهی (یعنی نمود) چون گفت ابراهیم پروردگار من آنست که زنده میکندومی میراند گفت آن کافرمن زنده می کنم ومی میرانم^(۱) گفت ابراهیم پس هر آئینه خدا می آرد خورشید را از مشرق پس تویبار آن را ازطرف مغرب پس مغلوب شدکافر و خدا راه نمی نماید گروه ستمگاران را (۲۵۸).

یامانندان شخصی که گذشت بردهی ووی افتاده بود برسفهای خود^(۲) گفت چگونه زنده کند این را خدا بعد از مردن آن

اللَّهُ وَلِ الَّذِينَ آمَنُوا يُجْزِيهِمْ مِنَ اللَّهِ إِلَى الثَّوَابِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَكَلَتْهُمُ الطَّاغُوتُ يُجْرِيهِمْ مِنَ الثَّوَابِ
إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵۶﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ
الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُعْبُدُ قَالَ آتَا
أُنِي وَأُمِّيَ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ
الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ
لَذِي بَأْسٍ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۲۵۷﴾

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْبَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا
قَالَ أَلَيْسَ هُنَا اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا قَامَتِ اللَّهُ
مِائَةً عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَلِمَاتٍ قَالَ لَيْسَتْ يَوْمًا

(۱) یعنی به ستم مستحق کشتن رامی گذارم و کسی را که مستحق کشتن نیست می کشم والله اعلم .

(۲) مترجم گوید آن شخص عزیز بود .

پس میراند اورا خدای تعالی صدسال بعد از آن برانگیختش گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم يك روز يا پاره ای از روز گفت بلکه درنگ کردی صدسال پس نگاه کن به سوی طعام خود و آشامیدنی خود که متغیر نشده و نگاه کن بسوی الاغ خود و می خواهیم که گردانیم ترانشانه ای برای مردمان و نگاه کن بسوی استخوانها چگو نه به حرکت درمی آوریم آن را بعد از آن می پوشانیم بر آن گوشت را پس چون واضح شدش این حال گفت به یقین می دانم خدا بر همه چیز تواناست (۲۵۹) .

وآنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بنما مرا چگونه زنده می کنی مردگان را گفت خدا آیا باور نداری گفت آری باور داشته ام لیکن می خواهم که آرام گیرد دل من (۱) گفت خدا پس بگیر چهار عدد از پرندگان پس بهم آورهمه را نزدیک خود قطعه قطعه بعد از آن بگذار بر هر کوهی پاره ای از ایشان بعد از آن ندا کن ایشان را البته بیایند پیش توشتابان و بدان که خدا غالب استوار کار است (۲۶۰) .

صفت آنانکه خرج می کنند اموال خود را در راه خدا مانند صفت يك دانه است که برویاند هفت خوشه رادر هر خوشه صد

أَوْبَعَضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَيْسَتْ مِائَةٌ عَامٍ فَأَنْظِرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَسْتَهْ وَأَنْظِرْ إِلَى حِمَارِكَ
وَلْيَجْعَلْكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَأَنْظِرْ إِلَى الْعُظَامِ
كَيْفَ نُنشِرُهَا ثُمَّ تَكْسُوها لِحْمًا فَلَمَّا بَيَّنَّ لَهُ
قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۵۹﴾

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَرَأَيْتَ أَتَى عَلَى الْفُلَيْنِ نَارٌ مِنَ النَّارِ فَكَذَّبَا فَأَخْرَجْنَا نَارًا مِنْ الظُّلُمِ قَصْرُهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُورًا فَادْعُهُنَّ يَا بَنِيكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۶۰﴾

مَثَلُ الَّذِينَ يُبْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ

(۱) یعنی عین یقین میخوهم والله اعلم .

دانه است و خدا چند برابر می دهد هر کرا خواهد و خدا جواد دانا است (۲۶۱) .

آنانکه خرج می کنند اموال خود را در راه خدا بازایی آن انفاق نمی آرند منت نهادن را و نه ایدارسانیدن را ایشانراست مزدایشان نزد پروردگار ایشان نیست ترس برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند (۲۶۲) .

سخن ملائم گفتن و درگذشتن^(۱) بهتر است از آن خیرات که از پی آن آزرده کردن باشد و خدا بی نیاز بُردبار است (۲۶۳) .

ای مومنان تباہ مکنید خیرات خود را به منت نهادن و آزرده کردن همچو کسیکه خرج می کند مال خود را برای نمودن مردمان و ایمان ندارد بخدا و روز قیامت پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بروی باشد اندک خاکی پس رسید بوی بارانی عظیم پس گذاشت او را سخت و صاف مانده، توانائی ندارند اهل ریا بر چیزی از آنچه عمل کردند و خدا راه نمی نماید گروه کافران را^(۲) (۲۶۴) .

وَاللَّهُ يُضِعُّ لِمَنْ يُشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۱﴾

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَتًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۳۲﴾

قَوْلًا مَعْرُوفًا وَمَعْرُوفَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ تَتَّبِعَهَا آذَىٰ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَلِيمٌ ﴿۳۳﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَا تِلْكَ كَمَثَلِ صَعْوَانٍ عَلَيْهِ تَرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۴﴾

(۱) از بی ادبی سائل .

(۲) مترجم گوید حاصل این مثل آنست که عمل منان و مرائی درد دنیا می نماید که عمل است و در آخرت نابود میشود و هیچ فائده نمی دهد چنانکه بر سنگی خاك افتاده باشد و بظاهر چنان می نماید که قابل زراعت است و چون باران بارد محو شود والله اعلم .

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُبْغُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ
وَتَعْبِيَتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرْدًا وَبَارِدًا
فَأَنْتُمْ أَكْثَرُ ضَالِّينَ فَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ
يَتَعَمَلُونَ بِحَسَنَاتِهِ ۝

وصفت آنانکه خرج می کنند مال های خویش را از جهت طلب رضامندی خدا و بسبب اعتقاد ناشی از دلِ خویش مانند صفت باغی است بمکان بلند که رسید بوی بارانی عظیم پس آورد میوهای خود را دوچندان و اگر نمی رسید او را باران عظیمی پس شبنم کفایت میکرد و خدا بآنچه می کنید بیناست^(۱) (۲۶۵) .

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْتُمْ كَرِيمُونَ لَكُمْ جَنَّاتٌ مِنْ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ
وَأَصَابَةُ الْكِبَرُولَةِ ذُرِّيَّةً مُضَعَّافَةً فَآصَابَهَا
إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ
لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝

آیا دوست میدارد یکی از شماکه باشد او را باغی از درختانِ خرما و انگور می رود زیرا آن جویها مراورا هست در آن باغ هر جنس از میوها و رسیده باشد او را کلان سالی و باشد او را اولاد ناتوان پس درین حالت رسید آن باغ را گردبادی که در آن آتش است پس پاک بسوخت همچنین واضح می سازد خدا برای شما آیتها را تا باشد که تأمل کنید^(۲) (۲۶۶) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مِنْ طَلَبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا
أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ، وَلَا تَتَّبِعُوا التَّهْلُوكَ مِنْهُ
تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِأَخْيَارٍ إِلَّا أَنْ تُعْطُوا
فِيهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝

ای مومنان خرج کنید از پاکیزه های آنچه شما کسب کردید و از پاکیزه های آنچه بیرون آوردیم برای شما از زمین و قصد مکنید ناپاک را از آن خرج میکنید آن را ونیستید گیرنده آن مگر وقتیکه چشم پوشی کنید در گرفتن آن و بدانید که خدا

- (۱) مترجم گوید حاصل این مثل آن است که عمل اهل اخلاص فائده ها میدهد از سابقین باشد یا از اصحاب یمین .
(۲) حاصل این مثل آن است که عمل منان و مرائی در وقت شدت احتیاج نابود شود چنانکه بوستان این شخص در وقت شدت احتیاج به سوخت .

بی نیاز ستوده است (۲۶۷) .

شیطان وعده میدهد به شما تنگدستی را
ومی فرماید به بی حیائی شمارا و خدا
وعده می کند به شما آموزش را از جانب
خود و نعمت دادن را و خدا جواد دانا
است (۲۶۸) .

میدهد حکمت را هر که را خواهد و هر که
داده شد او را حکمت پس هر آئینه داده
شدنیکوئی بسیار و پندپذیر نه می شوند
مگر خداوندان خرد (۲۶۹) .

و آنچه خرج کردید از خیرات و یالازم
کردید بر خود از نذری پس هر آئینه خدا
میداند آنرا و نیست ستمگاران را هیچ
یاری دهنده (۲۷۰) .

اگر آشکار کنید خیرات را پس نیکو چیز
است آن وا گر پنهان کنید آنرا و بدهید آن
را به فقیران پس این بهتر است شمارا
و دور سازد از شما بعضی گناهان شمارا
و خدا بآنچه می کنید آگاه است (۲۷۱) .

لازم نیست بر تو (ای محمد) هدایت
ایشان^(۱) لیکن خدا هدایت می کند
هر کرامی خواهد و آنچه خرج کردید از مال
پس نفع برای ذات شماست و لائق
نیست که خرج کنید مگر برای طلب
رضای خدا و آنچه خرج کردید از مال به
تمام رسانیده شود بسوی شما (یعنی
ثواب) او، و شما ستم کرده نخواهید

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ
يَعِدُكُمُ غَيْرَ ذَلِكَ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ مِنْهُ
رُزُقًا يُغْنِيكُمْ وَمَنْ يُطِغِرْ يَكْفُرْ بِاللَّحْمِ وَاللَّيْلِ وَالنَّجَسِ
وَالْحَمَاءِ إِنَّهُ يُعْطِيكُمُ الرِّزْقَ مِنْ حَيْثُ لَا تَحْسَبُونَ

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ
أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۳۱﴾

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ
فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَابٍ ﴿۳۲﴾

إِنْ تَبَدُّوا وَالصَّدَقَاتِ فَبِعَمَلِهِمْ وَإِنْ تُخْفُواهَا
وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيَكْفُرْ عَنْكُمْ
مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۳۳﴾

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسْكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ
إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ لَوْ
إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۴﴾

(۱) یعنی ایصال مطلوب الی الله .

شد (۲۷۲) .

خیرات برای آن فقیرانست که بندکرده شدند در راه خدا^(۱) نمی توانند سفر کردن در زمین، توانگر می پندارد ایشان رانادان بسبب طمع نه کردن تومی شناسی ایشان را به قیافه ایشان سوال نمی کنند از مردمان بالحاح و آنچه خرج کنید از مال پس هر آئینه خدا بآن دانا است (۲۷۳) .

کسانیکه خرج می کنند اموال خویش را شب و روز پنهان و آشکارا پس ایشان راست مُزدایشان نزد پروردگار ایشان نیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۲۷۴) .

کسانیکه میخورند سود را برنه خیزند یعنی از گور مگر چنانکه برمی خیزد کسی که دیوانه ساخت او را شیطان به سبب آسیب رسانیدن، این بسبب آنست که سود خوران گفتند جزاین نیست که سوداگری مانند سود است و حالانکه حلال کرده است خدا سوداگری را و حرام ساخته سود را پس کسی که آمد بوی پند از جانب پروردگار او پس بازماند ازین کار پس او راست آنچه گذشت و کار او مفوض است بخدا^(۲) و هر که

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
لَا يَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ
أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ
النَّاسَ الْخَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ
بِهِ عَلِيمٌ ﴿۲۷۲﴾

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِالْإِيمَانِ وَالنَّهَارِ سِرًّا
وَاللَّيْلِ فَتُحِبُّهُمْ وَاللَّهُ يَحِبُّهُمْ وَأُولَئِكَ
يُحِبُّهُمْ وَاللَّهُ يَحِبُّهُمْ وَاللَّهُ يَحِبُّهُمْ ﴿۲۷۳﴾

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا أَلْفُورًا مُمُوتًا إِلَّا كَمَا يَعْزِمُ الَّذِينَ
يَنْتَحِظُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَيْمَنِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ
مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَكَ
مَوْعِظَةً مِنْ رَبِّهِ فَاتَّخِذْهَا حَقًّا وَأَمْرًا إِلَى اللَّهِ
وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۷۴﴾

(۱) یعنی بسبب اشغال بجهاد کسب کردن نمی توانند و الله اعلم .

(۲) یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدنش لازم نیست و الله اعلم .

بازگشت بسود خوری^(۱) پس آن گروه باشندگان دوزخ اندایشان در آنجا جاویدند (۲۷۵).

نابودمی سازد خدا برکت سود را و افزون می سازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد هر ناسپاس گنهگار را (۲۷۶).

هر آئینه کسانی که ایمان آورده اند و کردند کارهای شائسته و برپاداشتند نماز را و دادند زکوة را مرایشان راست مُزد ایشان نزد پروردگار ایشان نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند (۲۷۷).

ای کسانی که ایمان آوردید بترسید از خدا و ترك کنید آنچه مانده است از سود اگر هستی از اهل ایمان (۲۷۸).

پس اگر نه کردید پس خبردار باشید به جنگی از طرف خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس شما راست اصل مال های شما نه شما ستم کنید و نه بر شما ستم کرده شود (۲۷۹).

و اگر باشد مفلسی پس لازم است مهلت دادن تا توانگری و آنکه خیرات کنید بهتر است شمارا اگر هستی داننده (۲۸۰).

و بترسید از آن روز که باز گردانیده شوید در آن بسوی خدا پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نه شوند (۲۸۱).

يَمَحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَاقَاتِ وَاللَّهُ لَظِيمٌ كُلِّ
كَلْبٍ آثِمٍ ﴿٢٧٥﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَتَوُوا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٦﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا
إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن
شِئْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ
وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾

وَإِن كَانَ دُونَ عَشْرَةٍ فَنظرةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا
خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَلَّى كُلُّ نَفْسٍ
مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

(۱) یعنی بعد از تحریم .

ای مومنان اگر معامله کنید بایکدیگر به وام دادن تا ميعاد مقرر پس بنویسید آن را و باید که بنویسد میان شما نویسنده بانصاف و سرباز نزد نویسنده از آنکه نویسد چنانچه آموخته است او را خدا پس باید که وی بنویسد و املاء کند آنکه وام بدمه وی است و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و نقصان نکند از آن وام چیزی را پس اگر باشد کسیکه وام بدمه وی است بی خرد یا ناتوان یا نمی تواند املاء کردن پس باید که املاء کند کارگذار او بانصاف و گواه گیرید دو شاهد را از مردان خویش^(۱) پس اگر نه باشند دومرد پس يك مرد و دوزن کفایت است از کسانی که رضامند باشید از گواهان^(۲) تا اگر فراموش کنید زن یاد دهاند یکی دیگر را و باید که سرباز نه زنند گواهان آنگاه که طلبیده شوند و مانده مشوید از آنکه بنویسد حق را اندک باشد یا بسیار تا ميعاد وی این بانصاف تر است نزد خدا و درست تر برای گواهی و قریب تر از آنکه در شک نشوید مگر وقتیکه باشد آن معامله سوداگری دست بدست که دستگردان می کنید آن رامیان خویش پس نیست بر شما گناه در آنکه نه بنویسید آن را و گواه گیرید هر گاه که خرید و فروخت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَعْتُمْ بَدَايِعَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاَلْتَبَوْا وَلَمْ تَكْتُبُوا يَتَنَبَّهْ بَيْنَكُمْ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْتِ بَكَايِبَ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَاكَهَ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْطِيعُ أَنْ يُبْلِغَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُودَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَنْ تَضَلَّ أَحَدُهُمَا فَتَدْرِبَا أَحَدُهُمَا الْآخَرَ وَلَا يَأْتِ الشَّهَادَةَ إِذًا مَا دَعَا دَعْوًا وَلَا تَشْمُؤْ أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَمْسَظُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَقَعُوا فَإِنَّهُ شَوْقٌ بِكُمْ وَاسْتَعْوَا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳۰﴾

(۱) یعنی از مسلمانان .

(۲) یعنی از مسلمانان امین متقی .

کنید و باید که رنج داده نشود نویسنده و نه گواه و اگر بکنید این کار را پس هر آئینه این گناه است شمارا و بترسید از خدا و می آموزد شمارا خدا و خدا بهر چیز دانا است (۲۸۲) .

و اگر مسافر باشید و نیابید نویسنده را پس لازم است گرو بدست آورده شده پس اگر امین داند گروهی از شما گروهی را پس باید که ادا کند آن کس که امین دانسته شد امانت خود را و باید که به ترسد از خدا پروردگار خود و پنهان نکنید گواهی را و هر که پنهان کند آن را پس هر آئینه گناهگار است دل او خدا بآنچه می کنید آگاه است (۲۸۳) .

خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و اگر آشکار کنید آنچه در دل شما است^(۱) یا پنهان دارید آنرا البته حساب آن بگیرد از شما خدا پس پیامرزد کسی را که خواهد و عذاب کند کسی را که خواهد و خدا بر همه چیز تواناست (۲۸۴) .

باور داشت پیغامبر آنچه فرود آورده شد بسوی او از پروردگار او و مومنان نیز همه ایمان آوردند بخدا و فرشتگان او و کتاب های او و پیغامبران او و گفتند فرق نمی

وَأَنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَعْيٍ لَمْ يَجِدْ أَكَابِبًا قَوْلًا فَمَقْبُوضَةً فَإِنْ
أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي الْوُضِعَ الْأَمَانَةُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ
رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ إِيْمًا قَلْبُهُ
وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۲۸۳﴾

بِاللَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوْا مَا فِي
اَنْفُسِكُمْ اَوْ تَخْفَوْا يَحٰسِبْكُمْ بِهٖ اللّٰهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ
يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَآءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۲۸۴﴾

أَمَّنَ الرَّسُوْلُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُوْنَ
كُلٌّ أَمَّنَ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ۚ أَرَأَيْتُمْ

(۱) یعنی از قسم نفاق و اخلاق و حسد و نصیحت و مثل آن نه از قسم حدیث نفس والله اعلم .

گذاریم میان هیچ کسی از پیغامبران او^(۱) و گفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم میخواهیم آموزش توای پروردگار ماویسوی تواست بازگشت (۲۸۵) .

خدا واجب نمی کند بر هیچ کس الامقدار طاقت او مراوراست آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند ای پروردگار مابعقوبت مگیر مارا اگر فراموش کنیم یا خطاکنیم ای پروردگار ماومنه برسرمابار گران چنانکه نهادی آنرا برکسانیکه پیش از ما بودند ای پروردگار ماومنه برسرمآنچه توانائی آن نیست مارا و در گذر از ما و بیمارز ما را و به بخشای ما را توئی خداوند ما پس غلبه ده ما را بر گروه کافران (۲۸۶) .

سوره آل عمران هدی است و آن
دو صد آیت و بیست رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَمْرِ ﴿١﴾

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿١﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الْم (۱) .

خدا آن ذات است که نیست هیچ معبود برحق مگر اوزنده تدبیرکننده عالم است (۲) .

فرود آورد بر تو کتاب را برآستی باور دارنده آنچه پیش دست وی است و فرود آورد تورات و انجیل را (۳) .

تَوَلَّىٰ مَلَائِكُ الْكِتَابِ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٢﴾

(۱) یعنی بعض را معتقد و بعض را منکر نمی باشیم .